

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

آشنایی با جوهره مدیریت دولتی: (فصل اول)

نظام مدیریتی ایران سه سطح دارد که عبارتند از:

- ۱) اداره امور سیاسی (مدیریت سیاسی)
- ۲) اداره امور عمومی (مدیریت دولتی)
- ۳) مدیریت خصوصی

چرخه خط مشی گذاری عمومی از دیدگاه لستر و استوارت:

- ۱) تدوین دستور کار
- ۲) شکل گیری خط مشی
- ۳) اجرای خط مشی
- ۴) ارزیابی خط مشی
- ۵) تغییر خط مشی
- ۶) خاتمه خط مشی

نکته: در چرخه خط مشی گذاری عمومی، اداره امور سیاسی (مدیریت سیاسی) کشور، مسائل عمومی (آن دسته از مسائلی را که جنبه عمومی و همگانی دارند) را به طرق گوناگون (از طریق مدیران دولتی، مطبوعات و رسانه ها، و محافل عمومی و مردمی) شناسایی و در کابینه دولت برای حل آنها چاره جویی می کند.

مدیریت دولتی:

دو تعریف ویلسون از مدیریت دولتی: در ابتدا وی «مدیریت دولتی را اجرای نظام مند و کارآمد قانون عمومی» می دانست. در دهه ۱۹۴۰ موضع ویلسون کاملاً برعکس شد و قائل به جدائی سیاست و اداره بود. وی در این دهه سیاست و خط مشی را عناصری جدائی ناپذیر از اداره عمومی تشخیص داد. ویلسون اظهار داشت که اجرای قانون نسبت به تدوین قانون دشوارتر است و سیاست را از اداره جدا کرد و گفت که مسائل سیاسی \ مسائل اداری نیستند.

تعریف مدیریت دولتی از دیدگاه گودنو:

«در همه نظامهای دولتی دو کار ویژه عمده برای دولتها به چشم می خورد: نشان دادن اراده حکومت (به معنی تجلی گاه اراده مردم) و اجرای آن اراده. همچنین در همه دولتها، بخشهای مجزایی هستند که انجام دادن یکی از این کارویژه ها را بر عهده دارند. این کار ویژه ها عبارتند از: سیاست و اداره. سیاست اشاره به خط مشی ها یا ابزار اراده حکومت دارد، اما اداره به اجرای این خط مشی ها می پردازد.

تعریف مدیریت دولتی از دیدگاه وایت:

مدیریت دولتی متشکل از همه عملیاتی است که هدفش تحقق یا اجرای خط مشی عمومی است.

تعریف مدیریت دولتی از دیدگاه دیماک:

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

مطالعه قدرتها و مسائل سازمان و کارکنان و شیوه مدیریت اجرای قوانین و خط مشی های مقامات دولت.

تعریف مدیریت دولتی از دیدگاه لوترگیولیک:

بخشی از علم اداره است که با دولت سر و کار دارد و بدین ترتیب دغدغه اصلی آن عمدتاً بر حوزه اجرایی (قوة مجریه) متمرکز است که در آنجا کارهای دولت انجام می شوند، اگر چه واضح است که مسائل اداری در حوزه های قانون گذاری (مقننه) و قضایی (قضائیه) نیز به چشم می خورد.

اپل بای می گوید:

مدیریت دولتی خط مشی گذاری است اما خط مشی گذاری مستقل، انحصاری یا جدای از سایر بازیگران فرآیند سیاسی نیست. خط مشی گذاری در حوزه ای صورت می پذیرد که نیروهای قدرتمند در آن با هم رقابت می کنند و جامعه نیز در آن دخالت دارد (نوعی خط مشی گذاری که تابع خط مشی گذاران دیگر است). مدیریت دولتی یکی از فرایندهای سیاسی است که از آن طریق مردم حاکمیت خود را محقق می سازند.

تعریف کلی مدیریت دولتی:

مدیریت دولتی یعنی مدیریت مسائل عمومی برای تحقق منافع عمومی.

قلمرو اداره امور عمومی (مدیریت دولتی):

حوزه مدیریت دولتی بین چند رشته اصلی سیاست، مدیریت، حقوق، علوم اجتماعی، اخلاق، دین و..... یک رشته میان رشته ای است.

ویژگی های مدیریت دولتی:

- ۱) شاخه اجرایی دولت
- ۲) فرموله، اجرا و ارزیابی کردن خط مشی های عمومی
- ۳) نوعی حلقه ارتباطی بین شهروندان (مصرف کنندگان) و دولت
- ۴) رابطه سیاست و اداره
- ۵) دوگانگی عمومی-خصوصی
- ۶) ارتقای منفعت عامه و تولید کالاها و خدمات عمومی
- ۷) درگیری در دامنه ای از مسائل که بر رفتار انسانها و تلاشهای همکاری گونه انسانها متمرکز است
- ۸) حوزه ای که ریشه در قانون و عملیات آن دارد.

تفاوت اداره و مدیریت:

- ریشه لاتین اداره **administrare** به معنای خدمت کردن ولی مدیریت **manus** به معنای کنترل با دست است و تفاوت اساسی این دو در معنای بین «خدمت کردن» و «کنترل یا کسب نتایج» است.
- اداره عبارتست از فعالیتهای مربوط به حفظ اسناد، پردازش اطلاعات، کار با کاغذ و به کار گیری قواعد، و رویه ها و خط مشی هایی که دیگران تعیین و تدوین کرده اند؛ اما مدیریت عبارتست از فرایند، فعالیت یا مطالعه در خصوص انجام

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

دادن وظایف سازمانی است که سازمان را در راستای تحقق اهداف از پیش تعیین شده جهت می دهد. اداره در دل مدیریت است .

- تفاوت جوهره « اداره » و « مدیریت » در فرآیند و نتیجه نهفته است. اداره بر فرایند استوار است ، زیرا مستلزم استفاده از اسناد و مدارک ، قوانین و مقررات ، و دستورالعملها و آیین نامه های متعددی است. هر اقدامی در اداره نیازمند مجوز است اما مدیریت معطوف به نتیجه است. لذا واژه مدیریت دولتی هر روز رواج بیشتری می یابد و استفاده از واژه اداره امور عمومی روز به روز کمتر می شود . در اداره امور عمومی وظایف سیاستمداران تدوین خطمشی ها است و مدیران وظیفه اجرای آنها برعهده دارند . اما در مدیریت دولتی یا اداره عمومی نوین بین سیاست و اداره جدایی نیست . اجرای خط مشی از پایین به بالاست ، ساختار اداری غیر متمرکز تر است .

محورهای اصلی اصول اداره امور عمومی یا مدیریت سنتی عبارتند از : ساختار نهادی ، اداره امور عمومی ، انگیزش کارکنان دولتی و جایگاه منفعت عامه (

اصول اداره امور عمومی از دیدگاه سنتی :

- (۱) وظایف نهادهای عمومی باید به دست سیاستمداران تعیین شود ، اما به منظور رعایت مدل تصمیم گیری عقلایی باید به دست مدیران (اداره کنندگان) اجرا شود؛
- (۲) اداره با اتکا بر اسناد مکتوب انجام می شود و این امر سبب می شود که دفتر عنصر اصلی اداره امور تصور شود؛
- (۳) وظایف عمومی بر مبنایی مستمر و نیز حاکمیت قوانین و مقررات استوار است.
- (۴) قواعد انجام دادن کار ممکن است فنی یا قانونی باشند. در هر دو حالت، افراد آموزش دیده ضروری هستند.
- (۵) وظایف یا کارویژه ها باید به حوزه های مجزا تقسیم و از حق فرمانروایی خاصی برخوردار شوند و هر یک ساز و کار تنبیه خاص خود را داشته باشد؛
- (۶) متصدیان امور عمومی و همین طور وظایف آنها باید به صورت سلسله مراتبی تنظیم شوند؛ حق کنترل و فرمانروایی مشخص باشد.
- (۷) منابع سازمان از منابع اعضاء ، به منزله افراد خصوصی ، کاملاً متمایزند؛
- (۸) متصدی امور عمومی نمی تواند پست سازمانی خود را با اهداف خصوصی ادغام کند؛
- (۹) کارکنان بخش عمومی برای انجام دادن تعهدات خود احساس تکلیف می کنند؛
- (۱۰) در بخش عمومی یک منفعت غالب به نام منفعت عامه هست که محدودیتهایی را بر منافع شخصی در سیاست و اداره تحمیل می کنند.

اصول نوین اداره امور عمومی در عصر حاضر عبارتند از:

- (۱) بین اداره و سیاست جدایی نیست.
- (۲) تصمیم گیری عقلایی در بخش عمومی میسر نیست، فقط عقلانیت محدود می تواند محقق شود. بنابراین در بخش دولتی گرایشهایی به عدم عقلانیت هست.
- (۳) اجرای موفقیت آمیز مستلزم اجرای پایین به بالاست و باید اطمینان حاصل کرد واحد های عملیاتی اصلی در خصوص اهداف و وسایل اجرای سیاستها تعهد دارند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- ۴) اداره امور عمومی به دست گروه های خودراهبر به بهترین نحو مدیریت می شود. افراد بیشتر محور تأکیدند تا ساختار رسمی.
- ۵) اداره امور عمومی نباید با قواعد رویه ای محدود شوند، چون آنچه اهمیت دارد تحقق هدف است نه ابزار تحقق هدف.
- ۶) تمرکزگرایی در بخش عمومی شاید برای سلسله مراتب و کنترل در اداره امور عمومی برانگیزاننده باشد، ولی منجر به نوعی اجرای ناقص می شود.
- ۷) نهادهای بخش عمومی وقتی نامتمرکز باشند، بهتر عمل می کنند.
- ۸) مشوقهای خاص، کارکنان بخش عمومی را برنمی انگیزاند، بلکه آنها نیز به منظور حداکثر سازی منافع شخصی خود، نظیر درآمد، پرستیژ و قدرت کار می کنند.

اصول اداره امور عمومی از دیدگاه نهضت دولت دینی اسلام عبارتند از:

- ۱) اصل روز بازخواست اعمال مدیر (اصل معاد)؛
- ۲) مدیریت در بخش دولتی عمومی محل خدمت است نه خلعت قدرت؛
- ۳) رضایت مخلوق به معنای رضایت خالق است؛
- ۴) مدیریت در بخش دولتی امانت مردم است و حفظ امانت ارزش اخلاقی مهمی در جامعه اسلامی محسوب می شود؛
- ۵) مدیریت دولتی مقید به اجرای سیاستهایی است که با روح ارزش های دینی سازگاری داشته باشد؛
- ۶) سرپیچی مدیریتی در بخش دولتی در صورت تضاد فرامین مدیریتی با اخلاق دینی جایز است؛
- ۷) سیاست عین دیانت است و دیانت عین سیاست؛
- ۸) مدیران دولتی سازندگان اصلی خط مشی های کشورند.

مردم محوری یا حکمرانی مردم :

آنچه عقل متعارف جامعه می پذیرد مردم محوری را تجلی حاکمیت مردم در مدیریت دولتی می داند. مردم محوری مدیریت دولتی را از بخش خصوصی جدا می کند. عوامل مردم محوری عبارتند از:

۴ قانون اساسی: قانون اساسی هر کشور تجلی گاه خواست و اراده مردم و میثاق حکومت و ملت است. قانون اساسی محیط مدیریت دولتی را تعریف می کند البته جدا کردن قوا از یکدیگر مشکل است. بعضی از وظایف قوه مقننه توسط قوه قضائیه انجام می گیرد. قانون اساسی نقشی مهم در جهت دهی مدیریت دولتی دارد. آنچه قانون اساسی حکم می کند باید در مدیریت دولتی متجلی شود.

۴ منفعت عامه: بخش خصوصی به منفعت شخصی می اندیشد اما در بخش دولتی همه چیز در راستای تحقق منفعت عامه است البته سازمانهای بخش خصوصی علاوه بر منافع شخصی باید در ارتقای منافع عامه نقش ایفا کنند. بنابراین، دولت در قالب مدیریت دولتی باید قوانین و مقرراتی را تدوین کند که از آسیب زدن بخش خصوصی به منافع عامه جلوگیری کند.

۴ نیروی بازار: یکی دیگر از تفاوت های عمده مدیریت بخش عمومی با بخش خصوصی نقش بازار در عملیات آنهاست. قیمت کالاها و خدمات بخش عمومی در محیط بازار تعیین نمی شود بلکه از طریق ابزار بودجه ای تعیین می شود. درآمدهای مدیریت دولتی در ایران اکثراً از طریق نفت و مالیات است در حالی که نیروی بازار تعیین کننده قیمت کالاها و خدمات بخش

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

خصوصی است. دفاع ملی، رفاه اجتماعی، محیط زیست و آموزش همگانی نمونه هایی از خدمات بخش دولتی به شمار می روند که بخش خصوصی به دلیل عدم سودآوری مایل به انجام آنها نیست.

۴ حکمرانی (مردمی):

در کشورهای مردم سالار و بلاخص در ایران، حکمرانی در مردمی نهفته است که آن را از طریق انتخاب یک دولت نماینده (و در ایران انتخاب رهبر از طریق مجلس خبرگان رهبری) اعمال می کنند. دولت، فرامین مردم را در قالب سیاستهایی به مدیریت دولتی ابلاغ می کند و مدیریت دولتی باید دستورات مردم را اجرا کند. مدیران دولتی، به مثابه امین حکم (مردم)، در تدوین و اجرای خط مشی های عمومی مشارکت می کنند. اعمال آنان تجلی اراده حاکم (مردم) است؛ یعنی اعمال مدیران دولتی بر اساس قانون اجباری و مبتنی بر زور است.

عقلانیت و راهبرد در بخش دولتی - فصل دوم:

- انواع دولتها از دیدگاه مدیریتی عبارتند از:
 - ۴ دولت مدیریتی ۴ دولت قانون مدار ۳ دولت حزبی ۴ دولت حرفه ای (علمی) ۵ دولت اخلاقی ۵ دولت مردم سالار دینی
- **دولت مدیریتی:** با اتکا بر اصول و ارزشهای بازرگانی، بر حاکمیت مدیریت بخش خصوصی بر بخش دولتی تأکید می کند.
- **دولت قانون مدار:** وظیفه خود را اداره امور عمومی بر مبنای قوانین و مقررات متعدد می داند.
- **دولت حزبی:** بر اهمیت نمایندگی دولت تأکید دارد و به دیوان سالاری نماینده می اندیشد. این دولت به نظام غنایم جنگی مشهور است، زیرا وقتی حزبی بر مسند قدرت تکیه می زند، همه پستهای مدیریتی را در دولت بین هواداران خود تقسیم می کند. در عین حال، رفاه مردم را با مداخله خود در امور گوناگون ارتقاء می دهد.
- **دولت اخلاقی:** به دولت و مدیریت دولتی از منظر اصول اخلاقی می نگرد و در این نگاه، تحقق کارایی به قیمت مخدوش شدن حقوق شهروندی و اخلاق ناپسند است.
- **دولت مردم سالار دینی:** رضایت شهروندان، به منزله رضایت خداوند است و دولت و مدیریت محمل کسب رضایت خداوند در پرتو کسب رضایت خلق و نه قدرت طلبی تلقی می شود.
- **پارادایمهای دولت جهت اجرای خط مشی عبارتند از:**
 - (۱) حاکمیت کارایی
 - (۲) حاکمیت قانون اساسی و سایر قوانین مادر
 - (۳) حاکمیت ارزشهای سیاسی
 - (۴) حاکمیت اصول حرفه ای و علمی
 - (۵) حاکمیت اصول اخلاقی
 - (۶) حاکمیت ارزشهای دینی

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- خط مشی های دولت، با توجه به نگاه مدیریتی شان بر انواعی از عقلانیتها، نظیر اقتصادی، قانونی، سیاسی، حرفه ای (علمی) ، اخلاقی و دینی استوارند.

• نهضت های مدیریتی عبارتند از :

- ۱) نهضت مدیریت اداری
- ۲) اداره امور عمومی سنتی
- ۳) اداره امور عمومی نوین
- ۴) مدیریت دولتی نوین
- ۵) نهضت خدمات عمومی نوین
- ۶) اداره امور عمومی مردم سالار دینی

• رویکردهای مدیریتی اداره امور عمومی عبارتند از :

- ۱) رویکرد قانونی
- ۲) رویکرد سیاسی
- ۳) رویکرد مدیریتی
- ۴) رویکرد حرفه ای (علمی)
- ۵) رویکرد اخلاقی
- ۶) رویکرد دینی

• راهبردهای مدیریت دولتی عبارتند از :

- ۱) راهبرد خط مشی
- ۲) راهبرد سازمانی
- ۳) راهبرد مدیریتی

• جوهره راهبردها بر اساس انواع عقلانیتها عبارتند از:

- ۱) کارایی گرایی
- ۲) قانون گرایی
- ۳) حزب گرایی
- ۴) بازارگرایی
- ۵) اخلاق گرایی
- ۶) رضایت بندگان (خدا) گرایی

عقلانیت و راهبرد در بخش دولتی :

خلاصه کتاب چالش‌های مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

عملی ذهنی که با خرد انسان مطابقت داشته باشد. عقلانیت مفهومی مطلق نیست بلکه نسبی است - عقلانیت مفهومی است تابع شرایط بدین معنی که عقلانیت راهکاری است که تحت شرایط خاص می تواند عقلانی یا غیر عقلانی می باشد.

عقلانیت محلی: عبارتست از عقلانیتی که در شرایطی خاص به صورت تکی و بدون توجه به سایر عقلانیتهای در پیش گرفته شود و تا زمانی بستر کلی حاکم بر خود یا تبعات کلی گزینه تصمیم گیری خود را مدنظر قرار ندهد، غیر عقلانی یا در حد جزئی عقلانی است.

عقلانیت در خط مشی گذاری:

خط مشی های دولت تحت تاثیر انواعی از عقلانیتهاست که عبارتند از:

عقلانیت اقتصادی - سیاسی - دینی - اخلاقی - قانونی - حرفه ای

عقلانیت اقتصادی:

منابع و امکانات یک دولت برای تحقق خواسته ها و تقاضای مردم محدودند در غیر این صورت با وجود وفور منابع مدیریت بی معناست. دولت عاقل اقتصادی باید خط مشی ها را در محدوده منابع محدود کشور با اتکا بر ارزشهای اقتصادی تدوین، اجرا و ارزیابی و تغییر و خاتمه دهد. نیازهای مردم فراوان و منابع محدودند لذا عقلانیت اقتصادی ضروری است. پس، سیاستهایی که بر اساس اصول اقتصادی تدوین می شوند و در اجرا، کارایی و اثربخشی را تقویت می کنند دارای عقلانیت اقتصادی است.

عقلانیت قانونی:

سیاستی از عقلانیت قانونی برخوردار است که با اتکا به قوانین اساسی و سایر قوانین مادر تدوین، اجرا و ارزیابی و تغییر و خاتمه یابند و عناصر اصلی عقلانیت قانونی عبارتند از: حق دادخواهی عادلانه، امنیت حقوقی، حفاظت از اقدامات اختیاری شهروندان حق وخواهی عادلانه و.....) می باشد. پس سیاستها باید برای داشتن عقلانیت قانونی با تاسی از قانون شکل گیرند و اطمینان به قانون را در حوزه خود مستحکم سازند.

عقلانیت سیاسی:

وقتی عقل جمعی دولتی را بر مسند قدرت می نشاند مسائل مورد نظر آن جمع باید در قالب خط مشی ها و سیاستهایی حل شوند، این سیاستها باید به نحوی تدوین و اجرا شوند که تداوم آن دولت را تضمین کند و به اعتماد مردم پاسخ داده شود در غیر اینصورت متزلزل خواهد شد. دولت باید ارزشها و اصول سیاسی را در خط مشی های خود لحاظ کند و جامه عمل به آنها بپوشاند. دولت مقید به عقلانیت سیاسی باید لباس سیاسی بر تن خط مشی های خود کند و اصول سیاسی خود را در عمل اجرا کند و گرنه دولت عاقلی نخواهد بود.

عقلانیت علمی (حرفه ای):

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

پیشرفت مادی و معنوی انسانها در سایه پیشرفتهای علمی رخ داده است علم و عالم شان و منزلت خاصی دارد در عرصه حکومت اداری حکومتهایی که توجه بیشتری به علم عالمان کرده اند استقرار حکومتی بیشتری را تجربه کرده اند. خط مشی هایی که دولت در مجلس شورای اسلامی تصویب می کند در صورتی در عمل موفق می شوند که جوهره آنها را علم و دانش شکل داده باشد یعنی از مرحله درک مشکل، تدوین دستورکار، تدوین خط مشی، اجرا، ارزیابی، تغییر و خاتمه خط مشی براساس مبنای علمی باشد. دولت عاقل حرفه ای (علمی) دولتی است که جامه علم به خط مشی گذاری کند و خط مشی ها جنبه علمی داشته باشند.

عقلانیت اخلاقی:

هر جامعه بشری دارای اصول و قواعد اخلاقی است که مورد احترام همه ی مردم آن جامعه است، در زندگی مردم رخنه کرده و تخطی از آن جامعه را آزرده خاطر می کند و جامعه انتظار دارد که حکومت با افرادی که تخطی می کنند برخورد کند. دولت باید ارزشهای مورد احترام مردم را در خط مشی های خود لحاظ کند چرا که تخطی از آنها، باعث کاهش مشروعیت نظام می شود یعنی دولت باید عقلانیت اخلاقی را برای ادامه حکومت خود رعایت نماید. بنابراین سیاستهایی که بر مبنای اخلاقی استوارند و اخلاق عمومی را استحکام می بخشند، سطحی از عقلانیت را دارند.

عقلانیت دینی:

شاید بتوان این نوع عقلانیت را در عقلانیت اخلاقی جست ولی مرزهای می توان مشاهده کرد. دین به مثابه راهنمای عمل انسانها بر همه ی ابعاد و عقلانیتهای تاثیر می گذارد. دولت باید در سیاستهای خود ارزشهای دینی را لحاظ کند اگر دولت در خط مشی هایش ارزشهای دینی را رعایت کند دولتی با عقلانیت دینی است یعنی خط مشی ها لباس دینی برتن کنند. خط مشی های غیر این خط مشی ها، مورد نفرت مردم اند. نمی توان ارزشهای دینی را از خط مشی ها جدا کرد.

رویکردها به مدیریت در بخش دولتی عبارتند از:

رویکردهای مدیریتی:

در این رویکرد که نخستین بار توسط ویلسون در نهضت مدیریت اداری بروز یافت علم و ارزشها در دست مدیران قرار دارد سازمان به مثابه یک کسب و کارست و مدیر یک کاسب، و فردی که به سازمان مراجعه می کند یک مشتری است. نهضت مدیریت اداری به کارایی می اندیشد و آن را در یکی کردن نوع مدیریت در بخش دولتی با خصوصی می دانست. مدیریت اداری کارایی را در بخش دولتی حاصل جدایی سیاست از اداره می دانست، اما نهضت مدیریت

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

دولتی نوین قائل به برون سپاری قانون اساسی یک کشور است. (قانون گرا - دولت مدیریتی - عقلانیت اقتصادی - نهضت مدیریت اداری).

رویکرد قانونی :

گستره عمل و آزادی عمل مدیریت در امور عمومی را قانون اساسی و سایر قوانین مادر تعیین می کنند. قانون اساسی قلمرو فعالیت دولت بخش خصوصی و تعاونی را مشخص می کند و مدیران دولتی باید بند به بند فعالیتهای خود را بر اساس قوانین و مقررات کشور انجام دهند پس در رویکرد قانونی به مدیریت دولتی، مدیریت با اتکا بر قانون اساسی نقش قاضی را ایفا می کند که شهروندان و کارکنان سازمانهای دولتی دولتی ارباب رجوع این دادگاهها (سازمانهای دولتی) به شمار می روند و مدیر بر اساس قانون، دور از احساسات و عواطف در بخش دولتی، قضاوت می کند. (قانون گرا - دولت قانون مدار - عقلانیت قانونی - نهضت اداره عمومی سنتی)

رویکرد سیاسی :

رویکرد سیاسی به مدیریت دولتی که به رویکرد عنائم جنگی نیز مشهور است بحث سیاست - اداره مطرح می شود که آیا باید یکی فکر کند - دیگری اجرا کند یا باید در کنار هم باشند. اگر دولتی با نگاه سیاسی خاصی بر مسند حکومت تکیه زند حزب حاکم یا احزاب ائتلاف گر پستهای مدیریتی را در بین هواداران خود تقسیم می کنند دولتی که نگاه خصوصی سازی جاوئی دارد مسلما وزیر اقتصاد عدالت محور را بر منصب وزارت قرار نمی دهد. در این رویکرد ساختار سازمانی حول ارزشهای سیاسی شکل می گیرد. ساختار اداری بیشتر ساختار احزاب سیاسی است در رویکرد سیاسی به مدیریت بخش دولتی تصمیم گیریها بر اساس آزادی عمومی مردم و افکار عمومی صورت می گیرد هر چند مدیریت دولتی آگاه بیان کننده خواست عموم است. این خواست ممکن است با خواست سازمانها سازگار یا مغایر باشد. (دولت حزبی - عقلانیت سیاسی - نهضت اداره امور عمومی نوین - حزب گرائی)

رویکرد حرفه ای (علمی) :

حامیان این نهضت مدعی اند دولت در صورتی موفق است که دولت علمی را جانشین دولت سنتی کند در صورتی مدیریت در بخش دولتی موفق خواهد شد که اصول مدیریت بازرگانی را در سازمانهای دولتی تزریق کند همان اعمال مدیریت بخش خصوصی در بخش دولتی است در این رویکرد تفاوتی بین مدیریت در بخش خصوصی دولتی نیست و نظریه عاملیت، که خود بر نظریه انتخاب عمومی استوار است، تجلی رفتار مدیران دولتی در این رویکرد است. در این رویکرد نفع طلبی شخصی شاه کلید توفیق مدیریتی است. (دولت حرفه ای - عقلانیت حرفه ای - مدیریت دولتی نوین - نهضت بازار گرائی)

رویکرد اخلاقی :

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

رویکرد اخلاقی به مدیریت در بخش دولتی، مدیریت محملی اخلاقی است نه کارآیی. بر این اساس وقتی دزدی به منزل شهروندی دستبرد بزند به هر قیمتی باید دستگیر گردد در حالی که در رویکرد حرفه ای (علمی) که اساس آن کارآئی است برای دستگیری دزد هزینه معینی تعیین می شود. در رویکرد اخلاقی ساختار سازمانی وسیله ای برای خدمت به شهروندان است که چیدمان واحدها بر اساس نیاز شهروندان صورت می گیرد. (دولت اخلاقی - عقلانیت اخلاقی - نهضت خدمات عمومی نوین - اخلاق گرائی)

رویکرد دینی:

در رویکرد دینی به مدیریت بخش دولتی بر اساس دین مبین اسلام، نیت خدمت است. خدمت به قصد رضایت خلق که رضایت خدا را نیز در پی دارد. ساختار سازمانی در آن باید بر اساس اصل «رضایت مردم، رضایت خداوند» طراحی می شود و هر فردی به عنوان بنده خداوند در جای خود و در گستره جامعه از احترام برخوردار است. (دولت دینی - عقلانیت دینی مردم سالار - نهضت اداره امور عمومی دینی مردم سالار - رضایت گرائی)

معنای راهبرد در بخش خصوصی: عبارتست از چیدمان منابع سازمانی در بهترین موقعیت ممکن، به گونه ای که بتوان ضمن حفظ سهم خود در بازار، سهم رقیب را نیز تصاحب کرد.

معنای راهبرد در بخش دولتی: عبارتست از راهبرد الگویی از اهداف غایی، سیاستها، برنامه ها، اقدامات، تصمیمات و تخصیص منابع است که سازمان، کار سازمان و چرایی انجام دادن آن کار را تعریف می کند.

در نگاه استوارت راهبردها دو نقش عمده در سازمانهای دولتی ایفا می کنند که عبارتند از:

- ۱) بر اساس کارویژه هایی که انجام می دهند به آنها نوعی هویت اعطاء می شود؛
- ۲) اولویتهای مدیریتی آنها را به ارباب رجوعان و دیگر ذی نفعان نشان می دهند.

تفاوت راهبرد در بخش دولتی با بخش خصوصی:

الف- تفاوت محتوایی: راهبرد در بخش دولتی:

۱. منافع عامه حاکم است به جای منافع شخصی بخش خصوصی
۲. رضایت شهروندان به جای فرد
۳. همکاری به جای رقابت
۴. حاکمیت قانون اساسی به جای قانون صرف تجارت.

ب - تفاوت شکلی: در بخش خصوصی راهبردها بر اساس ماموریت شرکت تدوین می شوند ولی در بخش عمومی نخست سیاستهای دولت ابلاغ می شود و سپس موسسه ها برای اجرای آن راهبردها خط مشی تدوین و در نهایت به تدوین سایر راهبردها می پردازند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

به نظر استوارت سه راهبرد در بخش دولتی حائز اهمیت است که عبارتند از:

(۱) راهبرد خط مشی

(۲) راهبرد سازمانی

(۳) راهبرد مدیریتی

انواع راهبردها در بخش دولتی:

۱. **راهبرد خط مشی:** وقتی دولت سیاستی تدوین می کند موسسه برای اجرای آن باید راهبردی داشته باشد این نوع راهبرد در بخش خصوصی معنا ندارد. در واقع به روابط مستمر وزارتخانه ها و موسسه های تابعه در تدوین و اجرای خط مشی اشاره دارد مثلاً «سیاست اشتغال زایی دولت»، «راهبرد توسعه تسهیلات محدود کم بهره» است که بانکهای دولتی آن را اجرا می کنند.

۲. **راهبرد سازمانی:** سازمانهای تابعه وزارتخانه ها، باید راهبردهای سازمانی را تدوین کنند تا اجرای آنها، راهبرد خط مشی را مشخص کند مثلاً «راهبرد کاهش تسهیلات بلند مدت کلان» شاید بتواند به راهبرد «توسعه تسهیلات محدود کم بهره» کمک کند.

۳. **راهبرد مدیریتی:** برای اجرای راهبردهای سازمانی، مدیریت دولتی باید راهبردهایی را تدوین کند مثلاً در زمینه اعطای تسهیلات محدود کم بهره، مدیریت بانکها راهبرد ایجاد کمیته های تخصیص را به منزله راهبرد مدیریتی در پیش می گیرد.

مدیریت مشارکت جویانه در بخش دولتی - فصل سوم:

چهار جهت گیری کلان نظری نسبت به اعتماد عمومی عبارتند از:

(۱) نگاه مدیریت

(۲) نگاه مدیریت دولتی

(۳) نگاه جامعه شناسی

(۴) نگاه اقتصادی

تعریف اعتماد: اعتماد عبارتست از تمایل یک طرف به آسیب پذیری در برابر طرف دیگر بر اساس این نظر که طرف مقابل فردی شایسته و قابل اتکاست. به طور کلی اعتماد عبارتست از اتکا بر اقدامات مشروط آتی طرفین.

انواع اعتماد به سه دسته تقسیم می شود که عبارتند از:

(۱) اعتماد راهبردی: عبارتست از آنچه یک طرف درباره اسرار طرف دیگر می داند.

(۲) اعتماد خاص: به ایمان افراد به هم قطاران خود در مجمعی خاص نظیر اعتماد افراد به یکدیگر در خانواده یا هیئتهای مذهبی اشاره دارد.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۳) اعتماد اخلاق گرایانه : مبنای جامعه مدنی است و عبارتست از ایمان به افرادی است که نمی شناسیم و دیدگاهی خوش بینانه از جهان داریم و مطمئنیم که می توانیم جهان بهتری را بسازیم.

اعتماد اعتباری : مبتنی بر نظریه عاملیت است.

اعتماد متقابل : بر تعاملات پی در پی با یکدیگر استوار است.

اعتماد اجتماعی : نوعی سرمایه اجتماعی است که درون نهادهایی مستتر است که عموماً آنها را می شناسیم و مسلم فرض می کنیم .

اعتماد مبتنی بر خصیصه ها: انتظارات از خصایصی نظیر جنسیت ، سن و نژاد می تواند اعتماد مبتنی بر خصایص را شکل دهند.

اعتماد مبتنی بر فرایند: عبارتست از انتظارات از رابطه بده - بستانی .

اعتماد مبتنی بر نهاد: عبارتست از پذیرفتن استانداردهای حرفه ای و منشورهای اخلاقی یا اجرا و مدیریت قوانین و مقررات .

نکته : اعتماد اجتماعی و سیاسی ابزاری برای بهبود عملکرد دولت در « حاکمیت مردم سالار » محسوب می شود.

نکته: مفاهیمی نظیر اعتماد متقابل، اعتماد به دولت و عملکرد دولت در رشد اقتصادی با هم ارتباط متقابل دارند. به ویژه اعتماد خاص، اعتماد متقابل و اعتماد نهادی تأثیر بسیاری در ایجاد پیامدهای مثبت در حاکمیت مردم سالار دارند.

اهمیت اعتماد به دولت :

اعتماد را می توان عامل مؤثر مهمی در حاکمیت دولت تلقی کرد. اعتماد به دولت از منظر سیاست مداران و دیوان سالاران امری ضروری است، زیرا عدم اعتماد مردم به دولت، مشروعیت حکومت را به خطر می اندازد. اعتماد به دولت سبب همراهی شهروندان با سیاستهای دولت بدون توسل به زور می شود . میزان سطح اعتماد به دولت نیز در ارزیابی شهروندان از دولت تاثیر دارد . وقتی اعتماد به دولت از بین رود، کارکنان بخش دولتی در انجام وظایف شان با مشکل روبرو می شوند و این باعث افزایش هزینه عرضه خدمات می شود .

چهارچوب های نظری اعتماد به دولت :

بی اعتمادی به دولت پدیده ای متداول در نظامهای سیاسی کشورهاست راهکارهای پیشنهادی متعددی برای احیای اعتماد به دولت عرضه شده اند .

۴ از نگاه مدیریت دولتی : منشا بی اعتمادی شهروندان به دولت بارکاری دولت است . دولت به علت داشتن خانواده ای بزرگ نمی تواند همه اعضای خانواده را راضی نگه دارد . بودجه معینی دارد که باید به نحوی توزیع شود که همگان تا حدی منتفع گردند ولی معلوم نیست که آیا از سهم خود راضی اند یا نه . شهروندان در برابر بار کاری دولت یا از خود صبر نشان می دهند و همچنان به خدمات دریافتی از دولت به هر نحو و شکلی که ممکن باشد وفادار می مانند، یا از آن شکایت می کنند یا در نهایت از دریافت خدمات خودداری می کنند . دولت باید «انتظارات شهروندان» را مدیریت کند .

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۴ از نگاه مدیریت: عامل بی اعتمادی شهروندان به دولت را این طوری بیان می کند که عملکرد دولت در سطح کلان (تورم و اشتغال) و خرد (خدمات عمومی) مورد قضاوت شهروندان قرار می گیرد و با توجه به قضاوت خود درباره دولت یا وفادار می مانند یا تظلم خواهی می کنند یا از دریافت خدمات خودداری می کنند یا با دولت همراهی می کنند که راه حل آن عرضه خدمات با کیفیت است .

۴ از نگاه جامعه شناسی: وقتی فرهنگ بی اعتمادی بر جامعه حاکم است (بعضی از اعضای یک سازمان یا اداره مثلا شورای شهر متهم به دست اندازی به بیت المال باشند مردم حاضر نیستند به سخنان آن دسته از اعضای شورا که سابقه ای در دست اندازی به بیت المال ندارند گوش دهند چون اعتماد اجتماعی مخدوش شده) در این حالت باید دولت هنجارها و هویت و سرمایه اجتماعی را تقویت کند تا باعث کاهش بی اعتمادی شود.

۴ از منظر اقتصاد: فلسفه وکیل - اصیل تجلی بی اعتمادی بین مالک و مدیر یا بین دولت و شهروندان است. شهروندان مالک دولت اند، مدیریت آن را بر عهده افرادی گذاشته اند تا منافع آنها حفظ شود. شهروندان با دولت یا همکاری یا تقابل می کنند. راه حل کاهش بی اعتمادی، مشارکت شهروندان در تصمیم گیری هاست.

در مورد تعامل شهروندان با دولت:

در یک طبقه بندی تعامل دولت شهروندان به دودسته تقسیم می شود:

- ۱) تعامل منفعلانه دولت - شهروندان است که شهروندان برای کسب اطلاعات در خصوص تصمیمات ارادی در نقش مشتری ظاهری شوند .
- ۲) تعامل فعالانه دولت - شهروندان: که شهروندان فعالانه در تصمیم گیریهای اداری مشارکت دارند و نقش مالک را بازی می کنند .

نوع دیگر طبقه بندی تعاملات دولت - شهروندان:

۴ تعاملات غیر همزمان از طریق نامه، نامه الکترونیکی و میزگردهای دیجیتالی در زمینه سیاستها انجام می شود که به چهار طریق دولت به شهروندان پاسخ می دهد: (عدم پاسخ، پاسخ کلی، پاسخ اطلاعاتی سیستم، پاسخ اطلاعاتی ارجاعی به دیگران)

۴ تعاملات همزمان از طریق تلفن، گفت و شنود رودر رو، جلسات عمومی و گفت و شنوهای دیجیتالی

مدل کلی ۴ مرحله ای تعامل شهروندان با دولت عبارتند از:

۱) مرحله قابلیت دسترسی: این مرحله به میزان دسترسی آسان به دولت اشاره دارد. دانشمندان قابلیت دسترسی را « توانایی برقراری ارتباط با دیگران نه توانایی ارسال یک پیام به دیگران » تعریف می کنند. این مرحله عنصر اساسی تعامل شهروندان با دولت است، زیرا چنین تعاملی بدون دسترسی آسان به دولت به صورت اثربخش محقق نمی شود. حتی در عصر اطلاعات، شهروندان می توانند به سادگی برای کسب اطلاعات به وب گاه های دولت دسترسی داشته باشند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۲) مرحله جست و جوی اطلاعات : این مرحله به نوعی تعامل برای جست و جو و دریافت اطلاعات از دولت اشاره دارد. شهروندان می توانند به کمک ساز و کارهای سنتی تعامل شهروند دولت نظیر تلفن یا گفت و شنود چهره به چهره، اطلاعات را بدست آورند. در عصر اطلاعات، می توان به سادگی و به طور متعارف طی تماس با دولت در محیطی آرام یا با ابزاری نظیر نامه الکترونیک به اطلاعات لازم دست یافت.

۳) مرحله دریافت خدمات: در این مرحله شهروندان برای تقاضا و دریافت خدمات عمومی با دولت تعامل دارند. تعامل شهروند دولت با هدف مبادله خدمات عمومی، نظیر پرداخت مالیاتها، صدور و تمدید گواهینامه های رانندگی و ثبت وسایل نقلیه ، به کمک ساز و کارهای سنتی و دیجیتالی انجام می گیرد. در عصر اطلاعات، عرضه خدمات بر خط با عنوان دولت الکترونیک در سراسر جهان ارتقاء یافته است.

۴) مرحله حوزه عمومی : در این مرحله، شهروندان در فرایند حاکمیت مشارکت می کنند. بنابراین، در این مرحله، مشارکت شهروندان از طریق جلسات عمومی، همایش ها، صندوق انتقادات و پیشنهادات، و میزگردهای دیجیتالی درباره سیاستها صورت می گیرد.

مشارکت جویی : مدیریت دولتی مشارکت جویانه پیوند مستقیمی با مردم سالاری مشارکت جویانه دارد. مشارکت جویی به معنای اندیشیدن ، بحث و جدل منطقی بر سر مسائل عمومی و تصمیمات عمومی است. بر این اساس مشارکت جویی یعنی فرایند مشاوره با دیگران در فرایند دستیابی به نوعی تصمیم که با اتکا بر علل منطقی و منابع مشترک طرفین محقق می شود. همچنین فرایند مشارکت جویی شامل بحث و بررسی مسائل عمومی توسط گروهی از افراد دولت - شهروند برای اتخاذ یک تصمیم که در آن طرفین در پی درک خود و دیگران اند و فراتر از مبادله برد باخت است . مشارکت جویی عنصر اساسی مردم سالاری ناب است.

نکته: حاکمیت مشارکت جویانه کاربرد فرایندهای مشارکت جویانه و مشارکت جویی در زمینه فعالیت های حاکمیت است.

ویژگی های حاکمیت مشارکت جویانه عبارتند از :

- ۱) دسترسی دولت و شهروندان به اطلاعات متوازن؛
- ۲) دستور کار باز دولت در تعامل با شهروندان؛
- ۳) زمان کافی مورد نیاز برای بررسی موضوعات بحث برانگیز دولت و مجلس به صورت گسترده؛
- ۴) فارغ بودن از توسل به زور یا دستکاری طرفین (دولت و شهروندان)؛
- ۵) چهارچوب مبتنی بر قواعد برای بحث طرفین؛
- ۶) مشارکت با نمونه کاملی از شهروندان؛
- ۷) قلمرو تعامل آزادانه بین دولت و شهروندان؛
- ۸) به رسمیت شناختن تفاوت های بین طرفین و رد پیش داوری ها بر اساس جایگاه شهروندان و دولت.

پاسخ گوئی در مدیریت دولتی :

مدیران دولتی پاسداران اعتماد مردم اند اگر مدیران به جای توجه به منفعت عامه به منفعت شخصی بیندیشند، باعث بی اعتمادی مردم به نهادهای دولتی می شوند. همچنین اگر کارکنان دولت، رفتار منفعت طلبانه از خود نشان دهند، اعتماد عمومی مخدوش

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

می شود و از آنجا که اعتماد به دولت کاهش می یابد برای این که کارکنان، مدیران و کارگزاران دولتی نشان دهند که به منفعت عامه پایبندند باید پاسخگوئی را سر لوحه کار خود قرار دهند. یکی از استانداردهای معمول « مردم محوری » در خدمات عمومی این است که دولت تا چه حد نسبت به پاسخگویی عمومی از خود حساسیت نشان می دهند. عدم پاسخگوئی عامل اصلی بی اعتمادی است.

نکته: وجود سازمانهای فاقد اثر بخشی مناسب، سازمانهای مالی ناکارآمد، منفعت طلبی شخصی در بخشهای مالیاتی، و سطح حقوق و دستمزد در سازمانهای دولتی، عوامل اصلی و مشکلات عمده مردم، مدیران و کارگزاران دستگاه حکومتی را نشان می دهند.

پنج نوع پاسخگوئی عبارتند از:

- ۱ پاسخگوئی قانونی (تا چه حد متصدیان امور عمومی از قوانین و مقررات تبعیت می کنند).
 - ۲ پاسخگوئی مالی (تا چه حد متصدیان امور عمومی منابع مالی را به اثر بخش ترین شیوه مصرف می کنند).
 - ۳ پاسخگوئی عملکردی (تا چه حد متصدیان امور عمومی اهداف و انتظارات سیاست مداران را محقق می کنند).
 - ۴ پاسخگوئی مردم سالار (تا چه حد متصدیان امور عمومی به ارزشهای مردم سالار ارجح نهاد و فرایندهای مردم سالار را تقویت می کنند).
 - ۵ پاسخگوئی اخلاقی (تا چه حد متصدیان امور عمومی استانداردها و اصول اخلاقی را رعایت می کنند).
- نکته:** یکی از صاحب نظران نیز پاسخگویی را علت العلل اعتماد عمومی می داند و مدعی است اعتماد عمومی مساوی با پاسخگویی است.

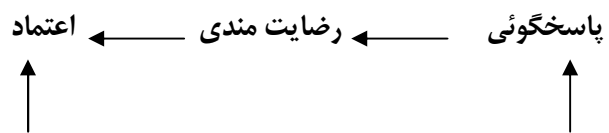
رضایتمندی شهروندان از مدیریت دولتی:

- ابعاد پنج گانه متغیر رضایتمندی عبارتند از:
 - ۱) حساس بودن به عرضه خدمات به شهروندان
 - ۲) اتکا پذیر بودن متصدیان امور عمومی
 - ۳) دسترسی به تسهیلات و خدمات
 - ۴) ارتباطات
 - ۵) هزینه ها

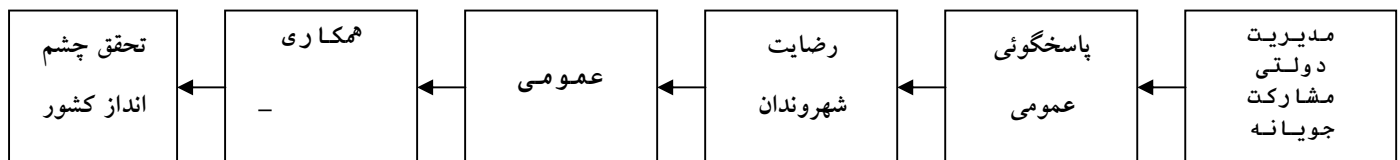
نکته: پاسخگوئی، رضایت مندی عمومی شهروندان را در پی دارد و رضایت مندی، اعتماد عمومی می آورد. عملکرد بهتر خدمات عمومی باعث افزایش رضایت مندی شهروندان می شود و در نتیجه اعتماد آنها به دولت و خدمات عمومی بیشتر می شود.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- اندیشه اصلی نوسازی اداری بر این اساس بوده است که افزایش کیفیت خدمات عمومی، رضایتمندی شهروندان را افزایش می دهد و در نتیجه می تواند سبب افزایش اعتماد عمومی به دولت شود.
 - رضایت مندی نقش میانجی بین پاسخگویی و اعتماد عمومی به سازمانهای دولتی ایفا می کند .
- ترکیب عوامل موثر در اعتماد عمومی به مدیریت دولتی (مدل مفهومی پیوند مردم - حکومت) : مدیریت دولتی مشارکت جویانه می تواند زمینه ساز عرضه خدمات با کیفیت به شهروندان از نگاه مدیریتی - مدیریت انتظارات از نگاه مدیریت دولتی - بهبود سرمایه اجتماعی از نگاه جامعه شناسی و از منظر اقتصادی مشارکت بهتر می شود .



نخست باید بستری برای پاسخگویی عمومی فراهم کرد این بستر همانا چیزی جز مدیریت دولتی مشارکت جویانه در کشور نیست با شکل گیری آن مدیریت به طور خودکار پاسخگویی عمومی (قانونی ، سیاسی ، مالی ، عملکردی ، اخلاقی ، مردم سالاری) نهادینه می شوند. با نهادینه شدن پاسخگویی، میزان رضایت مندی شهروندان ارتقا پیدا می کند و به تبع آن اعتماد عمومی جلب می شود . نهایتاً به تحقق چشم انداز کشور منتهی می شود البته هر یک از مراحل به تنهایی در تحقق چشم انداز کشور کمک خواهند کرد . بدون فضای سیاسی سازنده امکان تحقق این فرایندها میسر نمی شود ، محیطی سیاسی که در آن احزاب سیاسی کشور حول ارزشها و اصول کلی چشم انداز بیست ساله کشور با هم رقابت می کنند .



- به فرموده امام علی «ع» چهار علت سقوط دولتها عبارتند از :
 - (۱) از بین بردن کارهای اصلی؛
 - (۲) توجه کردن به امور جزئی؛
 - (۳) مقدم دانستن امور جزئی؛
 - (۴) محروم کردن انسانهای بافضیلت.
- چگونه می توان به شکل گیری مدیریت دولتی مشارکت جویانه در ایران کمک کرد؟
 - (۱) طراحی نظام آموزش مدیریت دولتی کشور
 - (۲) تدوین منشور شهروندی
 - (۳) تدوین چهارچوب اصول اخلاقی مدیران و کارکنان سازمانهای دولتی
 - (۴) تدوین چهارچوب مشارکت شهروندان در مدیریت دولتی

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

• چگونه می توان پاسخگویی عمومی را تقویت کرد؟

- ۱) تدوین قانون پاسخگویی عمومی در سازمانهای دولتی
- ۲) تدوین و تصویب قانون آزادی اطلاعات
- ۳) تدوین اصول اطلاعات آزاد عمومی
- ۴) بهبود رابطه مدیران دولتی و شهروندان

• اصول اطلاعات آزاد عمومی عبارتند از:

- ۱) عامه مردم حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارند؛
- ۲) دولت باید صحت اطلاعات عمومی را صرف نظر از شکل آنها تضمین کند؛
- ۳) دولت باید اشاعه، بازتولید و باز توزیع اطلاعات عمومی را تضمین کند؛
- ۴) دولت باید فضای خصوصی افرادی را که درخواست اطلاعات کرده اند و از آن اطلاعات استفاده می کنند، تضمین کند و افراد هم باید اطلاعات موجود در اسناد دولت را در موارد خاص حفظ کنند؛
- ۵) دولت باید تنوع منابع و مآخذ اطلاعاتی در دسترس (خصوصی و دولتی) را برای کسب اطلاعات عمومی تضمین کند؛
- ۶) دولت نباید اجازه دهد که عامل هزینه مانع از دسترسی عامه به اطلاعات عمومی شود؛
- ۷) دولت باید تضمین کند که اطلاعات مربوط به دولت به آسانی و در اشکال متنوع در دسترس و موجودند؛
- ۸) دولت باید دسترسی عامه به اطلاعات عمومی را، صرف نظر از اینکه در کجا زندگی و کار می کنند، از طریق شبکه های ملی تضمین کند.

• چگونه می توان رضایتمندی شهروندان را بهبود داد؟

- ۱) طراحی نظام ارزشیابی عملکرد سازمانهای دولتی بر اساس شاخص های سه گانه (پاسخگویی، رضایتمندی و اعتماد عمومی)
- ۲) تدوین سنجه رضایتمندی شهروند ایرانی که شامل پنج بعد (هزینه های خدمات - ارتباطات - دسترسی به تسهیلات و خدمات - اتکاپذیر بودن مستخدمان عمومی - حساس بودن به نیازهای شهروندان)

• چگونه می توان اعتماد عمومی به دولت را ارتقا داد؟

- ۱) باید ضمن تغییر شیوه انجام دادن امور در دولت و سازمانهای دولتی، نظامهای متفاوت را در دولت و سازمانهای دولتی تغییر داد؛
- ۲) باید درک عامه مردم را از دولت و سازمانهای دولتی افزایش داد؛
- ۳) دولت باید در عمل نشان دهد به منافع همه شهروندان توجه می کند.

کنترل فساد اداری در بخش دولتی: (فصل چهارم)

- هشت بعد اصلی راهبرد ملی پیشگیری از فساد اداری عبارتند از:

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- (۱) پاسخگویی سیاسی
- (۲) پاسخگویی رهبری نظام سیاسی کشور
- (۳) مشارکت مردمی
- (۴) بخش خصوصی رقابتی
- (۵) مدیریت دولتی مردم سالار
- (۶) ساز و کارهای نهادی
- (۷) آموزش اثربخش آموزه های دینی
- (۸) تقویت نقش رسانه ها

تعریف فساد اداری :

فساد یعنی سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی است که در آن به طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آنها، خود و نزدیکانشان را غنی می سازند.

فساد را می توان به دو نوع کلی تقسیم کرد که عبارتند از:

- (۱) فساد جزئی : به افزونه خواهی هایی جزئی اشاره دارد که کارکنان دولت بر اثر پایین بودن حقوق و دستمزدشان برای پرداخت هزینه های خانواده خود از شهروندان دریافت می کنند؛
- (۲) فساد کلان : توسط آن دسته از مقامات عالی رتبه دولتی صورت می گیرد که در زمینه انعقاد قراردادهای دولتی بزرگ تصمیم گیری می کنند.

عناصر وقوع فساد عبارتند از : مقام دولتی ، قدرت آزادی عمل ، سوء استفاده از قدرت توسط مقام دولتی، نوعی منفعت پولی و اقتصادی که نصیب مقام دولتی می شود.

فساد در دو حالت رخ می دهد که عبارتند از :

- (۱) در حالتی که خدمات و قراردادها بر اساس قانون و مقررات عرضه شوند که در این حالت مقام دولتی برای انجام دادن چیزی پول دریافت می کند که به طور معمول ملزم به انجام دادن آن بر اساس قانون است؛
- (۲) در حالتی که مبادله ها بر خلاف قانون و مقررات صورت می گیرند که در این حالت ، مقام دولتی برای انجام دادن موضوعی رشوه می گیرد که از نظر قانون مجاز به انجام دادن آن نیست.

هزینه های فساد (تأثیر فساد اداری بر اقتصاد):

زمینه بروز فساد در برخی از نهادهای دولتی مثل گمرک از سایر نهادها است وقتی رشوه خواری در کشور نهادینه شود مقامات دولتی فاسد برای افزایش میزان رشوه های مورد تقاضا از انگیزه لازم برخوردار و برای دریافت بیشتر به راهکارهای دیگری متوسل می شوند . هزینه های متعددی با فساد همراه است . فساد به علت تاثیرش در تخصیص منابع ، در تولید و مصرف اثرگذار است . رشوه دهی و رشوه گیری باعث می شود چه بسا عملیاتی که قصد خصوصی سازی آن را داریم به کارآمدترین

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

پیشنهاد دهندگان تخصیص نباید. مقامات دولتی فاسد به رشوه دهندگان اجازه می دهند تا رعایت مقررات را نادیده گیرند. فساد نیروی کار را از فعالیت محوله دور می سازد و در الگوی استخدام و ارتقا نیز تاثیر می گذارد. چه بسا کارآمدترین کارکنان ممکن است استخدام نشوند و افراد نالایق و ناشایست روی کار آیند و رفاه کلی عامه مردم را تقلیل دهند. در یک محیط فاسد منابع به سمت عرصه های نامولد (پلیس ، نیروی انتظامی و.....) می روند. منابع ارزشمند اقتصادی - اجتماعی به هزینه های امنیتی تبدیل می شوند و این باعث افزایش هزینه ها ، کاهش رشد اقتصادی ، تضعیف نهادهای بازار و..... می شود. فساد معمولاً در جایی رخ می دهد که بخش خصوصی و دولتی با یکدیگر ملاقات کنند. مقام دولتی دارای قدرت آزادی عمل در سوء استفاده از مقام اش و پولی که نصیب او می شود، هست. پژوهش های اخیر در زمینه اقتصاد سنجی حاکی از وجود نوعی همبستگی منفی بین سطوح بالای فساد و رشد اقتصادی اند. مطالعات موردی در جهان نشان می دهند که رشوه ها می توانند هزینه ها را افزایش و کیفیت پروژه های عمومی را کاهش دهند.

اهمیت پیشگیری از فساد :

فساد نوعی ویروس برای فلج کردن و بی اعتبار کردن دولتها ، نهادهای عمومی و شرکتهای خصوصی است و اثر ویرانگری در حقوق انسانها در جوامع دارد و جامعه و توسعه آن را نابود می کند و فقرا را تحت تأثیر قرار می دهد.

محورهای اصلی تأثیرگذاری فساد در جامعه عبارتند از : (۱) به فقرا آسیب می رساند و موجب نابرابری درآمدها و هزینه های مالی و مدیریتی می گردد. رشد اقتصادی را پائین آورده و مردم سالاری را مخدوش می کند؛ (۲) مبارزه با فساد فقر را کاهش و توسعه اقتصادی را ارتقا می دهد. در کشورهایی که فساد کنترل می شود شاخصهای اجتماعی - اقتصادی نظیر سرمایه گذاری خارجی بیشتر ، رشد درآمد سرانه بالاتر ، مرگ و میر کمتر ، سواد بالاتر ، کسب و کار عملکرد مناسبی دارد و بهبودهای بسیاری در کیفیت زندگی کشورهای گوناگون دارد؛ (۳) همچنین فساد کارایی شرکتهای را کاهش می دهد.

مجموعه ساز و کارهای کنترل فساد عبارتند از:

- (۱) نهادینه کردن نظارت در نظام سیاسی
- (۲) گسترش جامعه مدنی
- (۳) افزایش پاسخگویی مقامات سیاسی
- (۴) افزایش رقابت در اقتصاد
- (۵) اصلاح مدیریت دولتی و مالیه عمومی

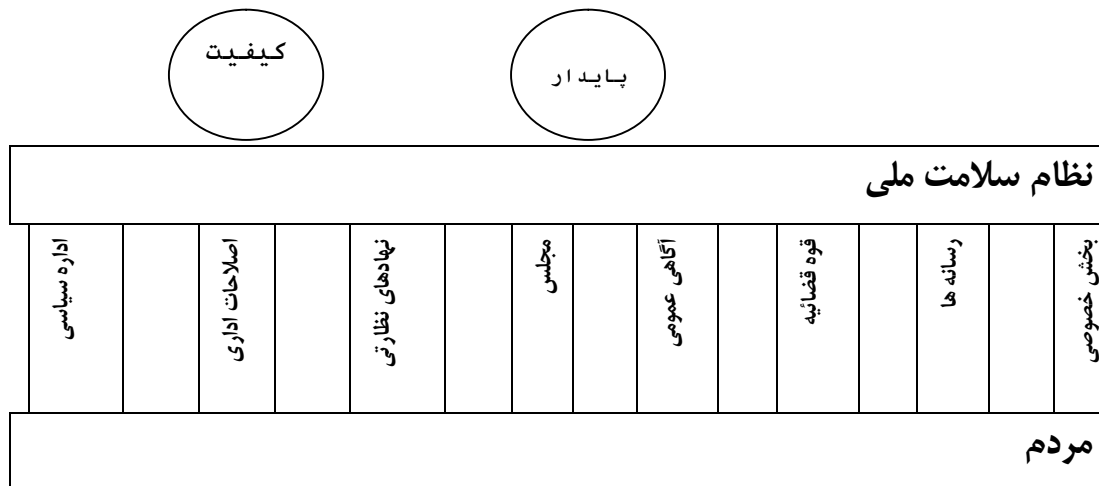
ارکان هشت گانه ارتقای سلامت ملی :

یکی از رویکردهای مبارزه با فساد برقراری نظام های « سلامت ملی » است برای ارتقای سلامت ملی می توان ۸ رکن را در نظر گرفت که عبارتند از: (۱) اراده سیاسی، (۲) اصلاحات اداری، (۳) نهادهای نظارتی، (۴) مجلس، (۵) آگاهی عمومی، (۶) قوه قضائیه، (۷) رسانه ها، (۸) بخش خصوصی؛ این هشت رکن به هم وابسته اند چنانچه یکی از ارکان دچار ضعف شود بار اضافی بر دوش رکن دیگر قرار می گیرد و اگر چندین رکن تضعیف شوند توسعه پایدار ، کیفیت زندگی و حاکمیت قانون دچار رکود می شود

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

نهایتا اگر این ۸ رکن دچار ضعف نشوند و مردم آنها را پایش کنند، نظام سلامت ملی شکل می گیرد و حاکمیت قانون، توسعه پایدار و کیفیت زندگی ارتقا خواهد یافت .



ارکان هشت گانه نظام سلامت ملی (استین هارست و لانگست ۱۹۹۷ : ۳۱۲)

راهبردهای پیش گیری از فساد :

۴ ارتقای پاسخگویی سیاسی : یکی از راهبردهای پیشگیری از فساد در کشور افزایش پاسخگویی رهبران سیاسی است . پاسخگویی سیاسی به محدودیتهایی اشاره دارد که توسط سازمانها و ذی نفعانی که قدرت اعمال مجازات دارند بر رفتار متصدیان امور عمومی تحمیل می شوند. به موازاتی که پاسخگویی سیاسی افزایش می یابد، هزینه اتخاذ آن دسته از تصمیمات سیاسیون (که به بهای منفعت عامه، منافی نصیب آنها می شود) افزایش می یابد. یکی از قدرتمندترین گونه های نظارت بر مقامات دولتی، شفافیت سیاسی است. برای دستیابی به شفافیت سیاسی سازوکارهای متفاوتی از قبیل : برگزاری جلسات مجلس به صورت علنی - برگزاری جلسات هیئت دولت به صورت علنی- برگزاری جلسات پریهاوی دادگاهها به صورت علنی - از میان برداشتن فعالیتهای دلالی سیاسی در مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام انتشار آرای نمایندگان مجلس در موضوعات کلیدی و غیر کلیدی - انتشار گزارش سالانه سازمانها و مجموعه های دولتی - انتشار احکام دادگاه ها در موارد کلیدی مؤثر در منافع جامعه افشای هدایا و رشوه ها به کمک مردم بر اساس قانون افشاگری.

علاوه بر سازوکارهای بالا میزان رقابت سیاسی در فرایند انتخابات نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وجود رقابت در چنین عرصه هائی باعث می شود، احزاب گوناگون در پی افشای فساد در دولت برآیند و سیاستمداران را ملزم به پاسخگویی به شهروندان می کند. البته رقابت سیاسی افراطی، مخرب است. و باید با پایبندی به قانون اساسی در عرصه رقابت سیاسی فعالیت کنند.

۴ پاسخگویی رهبری نظام سیاسی : در نظام سیاسی شوراهائی چون ایران رهبری رکن اصلی مدیریت کلان کشور است و تاثیر بسیار مهمی در ابعاد سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و فناوری دارد . بخشهای گوناگونی از اجزای نظام به طور مستقیم زیر نظر رهبری به فعالیت مشغول اند و برخی از انتصابات به طور مستقیم توسط رهبری

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

انجام می گیرد. نظر به جایگاه کلیدی رهبر در سطح ملی و بین المللی ممکن است بنا بر اغراض سیاسی مورد نقد قرار گیرد. شفافیت در حوزه عملکرد رهبری، بسیاری از سوء برداشتها و شایعات را در کشور از بین می برد. همه ی سازمانها و مراکزی که به طور مستقیم زیر نظر رهبری اند، باید بر اساس شاخصهای عملکردی نرم (مشروعیت مردمی، رضایت مردمی و اعتماد مردمی) و شاخصهای پاسخگویی مردمی یا سخت (عملکردهای مالی، اقتصادی و عملیاتی) (مورد ارزیابی قرار گیرند. شفافیت عملکرد در این سازمانها موجب شفافیت در سایر سازمانهایی که مستقیم زیر نظر رهبری نیستند، می شود و بازار شایعه را کساد می کند و غیر مستقیم در فساد اداری تأثیر می گذارد.

۴ تقویت جایگاه آموزه های دینی: آموزه های دینی در صورتی که به گونه ای مناسب و با ابزار و الگوهای مناسب در اذهان جامعه تزریق شود، کلیدی ترین راهبرد پیش گیری از فساد است. افرادی که آموزه های دینی را ترویج می کنند، باید خود عامل به آن باشند. از فنون و ابزاری استفاده کنیم که بتوانند باور به دوری از فساد را در اذهان افراد شکل دهند. رسانه ملی، سازمان صدا و سیما، باید سیاست فرهنگی کشور را به خوبی تحت پوشش قرار دهند. عالمان دینی به نقش کلیدی خود در اصلاح جامعه یقین داشته باشند و مدیرانی که از قشر روحانی اند به عملکرد سازمانی و فردی خود حساسیت بیشتری نشان دهند.

۴ تقویت مشارکت مردمی: سازمانهایی که نمودی از جامعه مدنی هستند مثل (سازمانهای مردم نهاد، اتحادیه های تجاری، کانونهای تفکر و اندیشه، انجمنهای بازرگانی و هیئتهای مذهبی) در مقام واسطه بین حکومت و عامه مردم، نقش مهمی در محدود کردن فساد ایفا می کنند. فعالیتهای این سازمانهای فرعی حول سه محور کلیدی می باشند که شامل:

- آگاه کردن عموم مردم از فساد با برگزاری همایشها، کارگاهها، در عمومی سازی اطلاعات مربوط به فساد که در تدوین برنامه های اجرایی موثر است.

- تنظیم طرحهای عملی برای مبارزه با فساد

- پایش اقدامها و تصمیمات دولت در زمینه کاهش فساد

برنامه های این سازمانها و تلاش آنها برای تاثیر گذاری در قوانینی که در مجلس تصویب می شود به کنترل فساد کمک می کند. همچنین مجازات عاملان فساد از جمله فعالیتهای دیگر این سازمانهاست. تلاش برای اصلاح نظام قضائی و آزادی اطلاعات، حمایت از اصلاحات حقوقی قضایی، از میان برداشتن قوانین دست و پاگیر بازرگانی و خصوصی سازی، محورهای اصلی مداخله جامعه مدنی را تشکیل می دهد. زمانی جامعه مدنی به نحوی موثر عمل خواهد کرد که دولت آن را یک هم پیمان (نه دشمن) قلمداد کند.

۵ تقویت نقش رسانه ها: رسانه های مستقل و حرفه ای با افشای سوء استفاده ها، به بازبینی سطح فساد کمک می کنند. رسانه ها نهادهای عمومی کلیدی در مبارزه با فساد تلقی می شوند. گرچه بسیاری از کشورها رسانه های آزاد و بازی دارند ولی برخی عوامل محدود کننده، مشارکت قدرتمند بالقوه رسانه ها را در مبارزه با فساد تضعیف می کنند. رسانه ها یکی از ارکان اصلی جامعه مدنی قلمداد می شوند.

۶ ایجاد بخش خصوصی رقابتی: برای داشتن اقتصادی قوی باید بخش خصوصی قوی و با انگیزه ای داشت. فرایند خصوصی سازی بعضا مورد شک و تردید قرار گرفته است زیرا چنین تصور می شود نقش آفرینان حکومتی برای کنترل بخشهای اساسی اقتصاد به تصاحب بخشهای کلیدی پرداخته اند. انحصارات کلیدی دولتی نه فقط سبب کارائی

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

نمی شود، بلکه از آن جهت که سالانه بودجه عظیمی از دولت به صورت یارانه دریافت می کنند، چیزی جز فساد در پی ندارد. لذا برای ایجاد بخش خصوصی رقابتی توجه به محورهای زیر اساسی است:

- (۱) سیاست اقتصادی یکپارچه: عدم واگذاری انحصارات کلیدی دولت که سبب تسلط افراد خاصی بر اقتصاد نشود و در عین حال به رونق اقتصادی کمک کند؛ چون با پرداخت یارانه به این شرکتها سبب بروز فساد می شوند.
- (۲) تقویت رقابت: بخش عمده ای از دارئیهای حکومت که دولت در پی خصوصی سازی آن است، عظیم است و بسیاری از آنها در بخشهای زیر ساختاری و منابع طبیعی قرار دارند؛ لذا رقابت در انجام دادن چنین فعالیتهایی مستلزم تدابیری سنجیده است تا منابع عظیم کشور در جهت مصالح کشور توسط بخش خصوصی مصرف شود. نقش سازمان خصوصی سازی کشور در این زمینه حساس است زیرا سازمان خصوصی سازی باید با نگاه منفعت عامه نه نگاه صرف کارائی یا کوچک کردن غیر منطقی دولت، در این زمینه تصمیم گیری کند.
- (۳) خصوصی نکردن بخشهایی از دولت: بخشهایی که حتی در کشورهای سردمدار خصوصی سازی، هنوز دولتی اند با تنظیم مقررات صحیح، طراحی نظام ارزیابی عملکرد این فعالیتها، بکارگیری افراد شایسته در پستهای کلیدی شرکتهای دولتی، به سازوکارهای پاسخگوئی کمک نموده و انتشار گزارشهای عملکردی می توانند فساد را کاهش دهند.
- (۴) تشکیل انجمنهای بازرگانی: یکی از چالشهای فراروی کشورهای در حال گذار (به طور اعم) و ایران (به طور اخص) یافتن راههایی است که به کمک آنها صاحبان منافع خصوصی بتوانند با یکدیگر به نحوی باز و شفاف رقابت کنند. عدم استفاده از انجمنهای کسب و کار که در کشورهای در حال گذار نادیده گرفته شده است، باعث تبانی بیشتر بخش خصوصی و بخش دولتی و بالطبع افزایش فساد اداری شده است.

ساز و کارهای نهادی ناظر بر قدرت:

چهارچوب های نهادی حکومت می توانند ساز و کار مهمی برای کنترل، بررسی و کاهش عوامل فساد باشند. به طور خاص، توسعه اثر بخش موانع نهادی درون حکومت به میزان تفکیک قوای سه گانه و ایجاد مسئولیتهای نظارتی «میان بر» میان نهادهای حکومتی وابسته است. محدودیتهای اثر بخش از طریق نظارت نهادهای حکومت بر یکدیگر می توانند فرصتهای سوء استفاده از قدرت را کاهش دهند، و در صورت وقوع سوء استفاده، مجازاتهایی بر ضد سوء استفاده کنندگان اعمال کنند.

اصلاح مدیریت دولتی:

بهبود امور مدیریتی مربوط به مدیریت دولتی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یکی از موضوعاتی است که در اصلاح ساختار مدیریت دولتی کشور باید مد نظر قرار گیرد. سازمان مدیریت کشور باید برای اصلاح مدیریت دولتی اقداماتی را انجام دهد که عبارتند از:

- (۱) تقویت روح خدمت به عامه در مدیران و مستخدمان دولتی از طریق تدوین شاخص های نرم ارزیابی عملکرد (نظیر پاسخگوئی، رضایتمندی و اعتماد)
- (۲) اهتمام جدی برای برقراری نظام شایسته سالاری هم در مدیریت و هم در سطح عملیاتی سازمانهای دولتی از طریق تدوین قانون مدیریت در بخش دولتی و برچیدن نظام تاراج در مدیریت دولتی ایران، پرهیز جدی از مدرک گرایی، و

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

روی آوری به آموزش های خاص مدیریت در بخش دولتی از طریق در نظر گرفتن امتیازات خاص برای مدیران و کارکنان متصدی امور در بخش دولتی.

- ۳) بازنگری در تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی گری
- ۴) ایجاد شفافیت و پاسخگویی در مدیریت مالی سازمانها و شرکتهای دولتی
- ۵) ارتقای پاسخگویی و کنترل بیشتر هزینه های بودجه ای ، مستلزم حسابداری و حسابرسی قوی و داشتن نوعی فرایند قوی اجرای بودجه است.
- ۶) ساده سازی سیاستهای مالی و تنوع در آنها؛ حذف معافیت اختیاری توسط مأموران مالیاتی و دستکاری مالیاتهای واقعی؛ استاندارد سازی فرمها و رویه های کاری و شفاف سازی کلیه فرایندها
- ۷) انعکاس نظر سنجی گروه ها و سازمان های مردم نهاد در دوره های زمانی مشخص از مردم راجع به کیفیت خدمات سازمانهای دولتی در روزنامه ها و رسانه ملی جهت افزایش کیفیت خدمات دولت.

تحول اداری در بخش دولتی – فصل پنجم :

نکته : امروزه « لیبرالی کردن » اداره امور عمومی را یکی از آموزه های مدیریت دولتی نوین می شناسند.

تبعات منفی مدیریت دولتی نوین در تحول بخش دولتی ایران :

- ۱) مخدوش شدن مرز عمومی- خصوصی؛
- ۲) محدود کردن ترکیب دریافت کنندگان خدمات؛
- ۳) تضعیف بخش دولتی؛
- ۴) تضعیف پاسخگویی عمومی؛
- ۵) تهدید اعتماد عمومی؛
- ۶) شکل گیری سازمانهای دولتی مضطرب؛
- ۷) سیاسی کاری در اجرای مدیریت دولتی نوین؛
- ۸) تهدید جامعه مدنی و نظریه سیاسی متضاد با حاکمیت نهادی؛

مدیریت نوین ، مبانی نظری شکل گیری مدیریت دولتی نوین

مدیریت دولتی نوین تجلی نوعی راهبرد است؛ براساس آن اداره امور عمومی، دانش و تجربه مدیریت بازرگانی را برای بهبود کارائی و بهبود عملکرد کلی خدمات عمومی و سازمانهای دولتی به کار می برد. ظهور مدیریت دولتی با چهار روند کلان اداری زیر همراه بوده است :

- ۱+ تلاش برای کاهش دادن رشد دولت از طریق کاهش حجم مخارج و تعداد کارکنان بخش دولتی؛
- ۲+ تغییر جهت و مسیر بخش دولتی به سمت خصوصی سازی و شبه خصوصی سازی، با تأکیدی نو بر پرداخت یارانه برای تهیه و تدارک خدمات عمومی؛
- ۳+ توسعه خودکارسازی اداری و به کارگیری فناوری اطلاعات در عرصه خدمات عمومی؛

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۴ به کارگیری نوعی رویکرد مدیریتی در بخش عمومی که قابلیت کاربرد در بیشتر کشورها را داشته باشد.

نکات مهم:

- اندیشمندانی نظیر گودنو و ویلسون « اداره امور عمومی » را رشته ای منحصر به فرد می دانند که می بایست نظریه مستقل خاص خود را می داشت و متصدیان امور در آن از مهارتهای عملی ویژه بهره می بردند و از شیوه مستقلی استفاده می کردند. در این راستا، گرایش غالب « علم اداره » تحلیل عملیات نظامهای دیوان سالار بزرگ و فرایندهای موجود در نظام دولت برای اجرای خط مشی ها بود.
- « مدیریت » اشاره به عرصه کلی تری داشت که اندیشمندان علوم اجتماعی و عمدتاً دانشمندان روانشناسی سازمانی و مطالعات کسب و کار از آن بهره می گرفتند. همچنین « مدیریت » اشاره به توانمند سازی افراد و گروه ها در محیط های اجتماعی گوناگون و به کارگیری منابع انسانی برای افزایش کارایی و اثربخشی در فرایند تولید کالاها و عرضه خدمات داشت.
- بر این اساس، قرار گرفتن پیشوند « مدیریت » به جای « اداره » در کنار واژه « عمومی » نخستین رگه تغییر در نحوه « مدیریت بخش دولتی » محسوب شد.
- دومین نویدی که حامیان مدیریت دولتی نوین به بخش دولتی می دهند، در زیربناهای مدیریت دولتی نوین هم قرار گرفته است، جدایی دوباره « سیاست - اداره » به مثابه شاهراه هر نوع بحث و بررسی درباره اداره امور عمومی است.
- سومین محور نویدبخش مدیریت دولتی نوین بر ماهیت و ارزشهای کشورهای مردم سالار استوار است.

بنیان های مدیریت دولت نوین

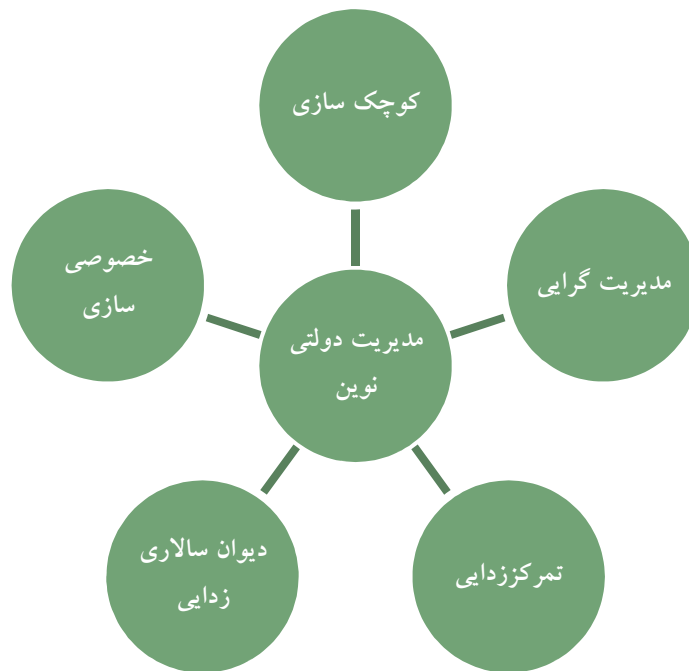
- گارسون و اورمن ، مدیریت دولتی نوین را مطالعه ای میان رشته ای از جنبه های محوری اداره امور عمومی تعریف کرده اند؛ مطالعه ای که بر کارویژه های طرح ریزی ، سازماندهی و کنترل مدیریت در کنار مدیریت منابع انسانی، مالی، فیزیکی، اطلاعاتی و سیاسی تأکید داشت .
- شش عنصر تشکیل دهنده دکترین مدیریت دولتی نوین از نظر هود:
 - ۱) استقرار مدیریت علمی و حرفه ای در بخش عمومی؛
 - ۲) استانداردها و سنجه های مشخص عملکرد (شاخصهای عملکرد)؛
 - ۳) تأکید بیشتر بر کنترل ستاده های سازمان دولتی؛
 - ۴) ایجاد فضای رقابتی بیشتر در محیط سازمانهای دولتی؛
 - ۵) تأکید بر انضباط و صرفه جویی بیشتر در استفاده از منابع؛
 - ۶) تأکید بر سبکهای مدیریتی بخش خصوصی در بخش دولتی.

مهم ترین ارکان مدیریت دولتی نوین (هایز و کیرنلی) :

۴ کوچک سازی : کاهش اندازه و قلمرو دولت :

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- ۴ مدیریت گرائی : به کارگیری اصول مدیریت بازرگانی در دولت؛
- ۳ تمرکز زدائی : واگذاری تصمیم گیری به دریافت کنندگان خدمات؛
- ۴ دیوان سالاری زدائی : بازسازی دولت با تاکید بر نتایج به جای فرایندها؛
- ۵ خصوصی سازی : تولید کالاها و خدمات عمومی توسط شرکتهای غیر دولتی.



این اصول شدیداً بر نظریه مدیریت بخش خصوصی و فلسفه کسب و کار متکی است اما هدف آنها کاهش مستمر و مداوم اندازه فعالیت‌های دولت است. مدیریت دولتی نوین تجلی رویکردی است که بر اساس آن دانش و تجارب مدیریت بازرگانی را برای بهبود کارایی، اثربخشی و به طور کلی عملکرد خدمات عمومی در دیوان سالاریهای نوین امروزی به کار می برد. این رویکرد، راهبرد تحول در بخش دولتی ایران نیز هست که در برنامه های توسعه و برنامه های تحول اداری ایران کاملاً مشاهده می شوند.

در ایران پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز اولین برنامه پنج ساله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در ایران، رگه های مدیریت دولتی نوین در قالب خصوصی سازی مطرح و اولین قانون برای محدود کردن اندازه دولت در اقتصاد و مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی به تصویب رسید.

محورهای بنیادین مدیریت دولتی نوین در ایران (برنامه های تحول اداری در ایران):

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- ۱) برنامه منطقی کردن اندازه دولت با تعیین و تفکیک اعمال حاکمیت و اعمال تصدی بر اساس مفاد ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه و تشخیص حجم مناسب برای دولت با تعریف اندازه منطقی دولت و امکانات و منابعی که می توان برای اداره امور توسط دولت هزینه کرد؛
- ۲) برنامه اصلاح ساختار تشکیلاتی دولت با هدف بررسی و شناخت مشکلات تشکیلات کلان دولت و کوچک سازی دولت در عمل؛
- ۳) برنامه اصلاح نظامهای مدیریتی به کمک بررسی و تعیین تکلیف شوراها و مجامع متعدد تصمیم گیری و سازماندهی و اصلاح نظام و نهادهای تصمیم گیری در ساختار تشکیلاتی دولت؛
- ۴) برنامه اصلاح نظامهای استخدامی با بررسی و رفع نواقص آیین نامه استخدام پیمانی کارکنان دولت برای توسعه اشتغال به صورت غیر رسمی (پیمانی) به جای استخدامهای دائمی و رسمی؛
- ۵) برنامه آموزش و بهسازی نیروی انسانی دولت به منظور تقویت نیروی انسانی نظام اداری کشور؛
- ۶) برنامه اصلاح فرایندها، روشهای انجام دادن کار و توسعه فناوری اداری؛
- ۷) برنامه ارتقای حفظ کرامت مردم در نظام اداری کشور.

تبعات منفی مدیریت دولتی نوین :

۴ کم رنگ کردن مرز عمومی و خصوصی :

واژه مردم محوری تمایز بین بخش خصوصی و عمومی است . رسوخ مدیریت دولتی نوین در سازمانهای دولتی این مرز را مخدوش می کند زیرا هنجارها و استانداردهای منحصر به فرد خدمات عمومی نظیر شهروندی ، پاسخگویی ، برابری، گشاده روئی، انصاف داشتن در برخورد با شهروندان با هجوم هنجارهای بازرگانی نظیر رقابت کارائی ، بهره وری ، سودآوری به حاشیه رانده می شود.

۴ محدود کردن ترکیب دریافت کنندگان خدمات :

از ویژگیهای مردم سالاری ترکیب متنوع دریافت کنندگان خدمات عمومی است که تجلی واقعی عامه در مدیریت دولتی است. خدمات عمومی باید بر اساس رفاه عمومی همگانی یا رفاه شهروندی استوار باشد . با تغییر اهداف اصلی خدمات عمومی از تحقق نیازهای طبیعی شهروندان به تحقق اهداف اقتصادی مبتنی بر کارائی و رقابت باعث شده که به مشتریان واژه مصرف کننده یا مشتری اطلاق شود؛ در حالی که شهروندان مصرف کنندگان دولت نیستند، بلکه مالکان آن هستند که دولتمردان را برای حفظ منافع عمومی انتخاب کرده اند . مدیریت اقتصادی کارآمد فقط به اغنیاء خدمت می کند، یعنی ترکیب محدود دریافت کنندگان خدمات عمومی توجه بیشتر به رشد اقتصادی بازار دارد تا رفاه شهروندی. تنها بخش خاصی توان دریافت خدمات عمومی را دارند این خانواده های کم درآمد را تحت تاثیر قرار می دهد و باعث می شود وضعیت فقر وخیم تر شود و دلالت بر کاهش مردم سالاری در مدیریت دولتی دارد. در مدیریت دولتی نوین شهروندان در مقام مشتری و مصرف کننده اند مدل مشتری مداری در خدمات عمومی بین غنی و فقیر بر اساس توان پرداختشان تبعیض قائل است که این امر نقض اصل برابری در خدمات عمومی است.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۴ تضعیف بخش دولتی

نقش موثر اقتصادی - اجتماعی مدیریت دولتی در جامعه یکی از ابعاد مردم سالاری در مدیریت دولتی است با آمدن مدیریت دولتی نوین نقش و هدف مدیریت دولتی از رهبری به نقش تسهیلگری تغییر پیدا کرد. نقش بخش خصوصی را در کالاها و خدمات افزایش داد و نقش بخش دولتی را در عرضه خدمات و رفع نیازهای مردم به حاشیه رانده است. کاهش ظرفیتهای مالی (انتقال بخش عظیمی از دارائیهای عمومی به خصوصی) فروش بنگاههای عمومی سودآور و کارکنان خدمات عمومی نوعی افول را در مردم سالاری در پی دارد چون از توانائی پاسخ به نیازها و تقاضای شهروندان برای خدمات اساسی می کاهد این تاثیر بیشتر در کشورهایی که بر اساس مدل دولت مداخله گر عمل کرده اند قابل مشاهده است.

۴ تضعیف پاسخگویی عمومی

یکی از متداولترین معیارها برای ارزیابی (مردم سالاری) پاسخگویی عمومی است تحول دولت بر محور شبه بازرگانی حمله متهورانه به پاسخگویی مردم سالارست. نخستین چالش پاسخگویی عمومی به فعالیتهای مشارکتی بین بخش های خصوصی و دولتی برمی گردد این نوع فعالیتهای شرکتی موجب شک و تردید شهروندان در روابط دولت - پیمانکاران - عملکرد مهم پیمانکاران - افزایش فرصتهای فسادآور شده است و زنجیره واقعی پاسخگویی را مخدوش می کند، زیرا مردم نمی دانند مقصد اصلی دولت یا پیمانکار است. لذا اتحاد تنگاتنگ دولت با شرکتهای خصوصی موجب مخدوش شدن پاسخگویی عمومی و کاهش مردم سالاری است. ضمن با مشکل مواجه شدن پاسخگویی عمومی مردم سالاری کاهش می یابد همچنین گسترش آزادی مدیریتی باعث شکل گرفتن موسسه های مستقلی شده که زمینه فساد اقتصادی مدیران و کارکنان را فراهم می کند تا از منابع عمومی به نفع شخصی استفاده کنند.

۵ تهدید اعتماد عمومی

یکی از ویژگیهای مردم سالاری اعتماد و اطمینان عامه به دولت است به کارگیری مدیریت دولتی نوین هم اعتماد شهروندان عادی هم اعتماد کارکنان مدیریت دولتی را به چالش کشیده است. یافته های متعددی نشان دهنده بدبینی به تزریق اصول شبه بازرگانی در بخش خدمات عمومی اند این شک و بی اعتمادی در میان کارکنان خدمات عمومی به علت احساس ناامنی شغلی ناشی از سیاست کوچک سازی و حذف استخدام هاست آمار و ارقام در کشورهای مختلفی نشان از کاهش اعتماد عمومی به دولت پس از به کارگیری مدیریت دولتی نوین بوده است همچنین تجسم مدیران دولتی همچون افرادی پست و فاسد توسط سیاستمداران احساسات ضد دولتی را برجسته و اعتماد عمومی را خدشه دار کرده است.

۶ شکل دهی سازمانهای دولتی مضطرب

یکی از تبعات بسیار مخرب مدیریت دولتی نوین مضطرب کردن سازمانهای دولتی است اگر سازمان را موجودی زنده تصور کنیم که یاد می گیرد، می میرد (افول حیات) به محیط اطراف واکنش نشان می دهد تکامل آن شبیه تکامل انسان است قعا با این پدیده دچار اضطراب می شود و تا حدی عامل پیشرفت نیز می شود وقتی اضطراب شدید شود کارآئی، اثر بخشی و در کل بهره وری آن کاهش می یابد. در چنین رویکردی مدیران دولتی برای سرپوش گذاشتن بر مدیریت ناکارآمد خود را وارث خرابیهای دیگران می دانند کسی نمی تواند از این سازمان بازخواست کند زیرا همیشه

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

در حال تعمیر و باز سازی اند به علت اضطراب رفتار کارکنان از دید شهروندان عادی نیست برنامه ها ناتمام می ماند و این ره آورد مدیریت دولتی نوین است.

۴ تقویت نظام توزیع غنائم به شکل خصوصی سازی

نظام توزیع غنائم بر توزیع پستهادر سطوح دولت توسط یک حزب سیاسی به طرفدارانش با این امید که تعصب حزبی کارآئی و اثر بخشی را زیاد کند گفته می شود. این نظام در ایران در همه ی سطوح عالی ، میانی ، عملیاتی انجام می شود . اکنون در پرتو مدیریت دولتی نوین نظام توزیع غنائم به شکل واگذاری شرکتهای سودده به طرفداران حزبی و حتی اقوام و دوستان متجلی شده است یعنی مدیریت دولتی در دست مجموعه ای خاص است که باعث کاهش اعتماد عمومی و به چالش کشیدن نظام مشروعیت سیاسی شده است.

A علل نمادین سیاسی (نه کارآیی) در عرضه خدمات به شهروندان

ایا همه ی خصوصی سازیها منجر به صرفه جویی در هزینه ها و بهبود کیفیت خدمات می شوند . خصوصی سازی و قراردادی کردن بسیاری از خدمات (خدمات اجتماعی) بنا بر علل سیاسی صورت گرفته است که دولت در پی کوچک شدن و رها کردن خود از عرضه مستقیم خدمات است. یعنی خصوصی سازی یک قانون سیاسی است نه اقتصادی . با این وجود نبود رقابت در زمان انعقاد قراردادها ، چالشهای مدیریتی مهمی را برای دولت به وجود می آورد . تقاضاهای روزافزون برای دستیابی به دولتی کوچک تر و کارآمدتر مدیران اجرائی سازمانهای دولتی را به این موضوع رهنمون کرده است که خصوصی سازی وسیله ای برای کنترل هزینه هاست با این وجود خصوصی سازی خدمات اجتماعی قدرت انحصار دولتی به انحصار خصوصی می دهد در عین حال عملکرد پاسخگوئی را اندکی افزایش می دهد این باعث می شود رقابت در عرضه خدمات به شدت تخریب شود. اگر دولت لازم می داند برای خدمات موجود در بازار قراردادی منعقد کند ضروری است نتایجی برای مدیریت نظارت و درخواست پاسخگوئی را در اختیار داشته باشد دولت باید دورنمای بلندمدت را در مدیریت قراردادها برای پرهیز از گرفتار شدن در دام خصوصی سازی در پیش گیرد.

۹ تهدید جامعه مدنی

در پرتو راهبرد مدیریت دولتی نوین ، بخش غیر انتفاعی کشورها ، از جمله ایران به طور روز افزونی ارزشها و شیوه های بازار را سر لوحه عرضه خدمات خود قرار داده است تاثیر بخش غیر انتفاعی در جامعه مدنی به علل زیر اهمیت دارد :

- اگر چه آثار بازار زدگی در بخشهای عمومی و غیر انتفاعی متفاوت اند ، به نظر می رسد تزریق ارزشهای بازار در هر دو بخش عمومی و غیر انتفاعی برای مردم سالاری مضر است .
- رابطه همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل شهروند - دولت برای مشروعیت مدیریت دولتی ضروری است . سازمانهای غیر انتفاعی به علت نقشی که در جامعه مدنی دارند در تحقق این امر بسیار موثرند این نقش از طریق بازار گرائی تهدید می شود. سازمانهای غیر انتفاعی ابزاری برای تحقق اثر بخش ترین روش عرضه خدمات در جامعه بوده و ابزار مهمی برای حفظ یک جامعه مدنی به شمار می روند.

۴۰ نظریه سیاسی متضاد با حاکمیت مردم سالار

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

مدیریت دولتی نوین مدعی است نه فقط فنون مدیریت بخش خصوصی (از مدیریت علمی گرفته تا مدیریت کیفیت فراگیر) باید در بخش دولتی به کار روند برای تحقق مدیریت گرائی در بخش دولتی باید ارزشهای بازاری (رقابت، کارآفرینی و...) به درون بخش دولتی نیز تزریق شود. جوهره این اندیشه این است که رفتار انسان بر محور منفعت شخصی می چرخد. تجمیع منافع شخصی تقویت مناسبی از منافع عمومی آن جامعه محسوب می شود. این پیش فرض در نظریه سیاسی مدیریت دولتی نوین چشم اندازی تاریک از منفعت عامه به دست می دهد اعتماد میان شهروندان در دولت را کاهش می دهد برخی از افراد جامعه را از برخی دیگر مستثنی می کند. نقش شهروندان فراتر از منفعت شخصی، چه بسا مشارکت در تحقق منافع عمومی باشد. کنترل مدیران خلاق و نوآور در سازمانهای دولتی دشوار است مدیران کارآفرین پول و منفعت عمومی را در اختیار منافع شخصی قرار می دهند در برابر پاسخگویی و حساسیت نشان دادن به شهروندان از میدان می گریزند گرچه عامه مردم راه حل خلاقانه را دوست دارند اما پاسخگویی در سازمانهای دولتی اهمیت بیشتری دارد.

فصل ششم (دانش محوری اقتصاد و بخش دولتی):

سلسله مراتب داده، اطلاعات، دانش، حکمت:

نکته: اقتصاد دانایی محور، توان ایران را برای نوآوری، اقتباس و خلق فناوری بومی، طراحی، توسعه، و بازاریابی محصولات جدید تقویت خواهد کرد. همچنین، اقتصاد دانش محور به تغییر از راهبرد «نهاده محور» به راهبرد «رشد مبتنی بر بهره وری» شتاب خواهد بخشید.

اقتصاد دانش محور به اقتصادهایی اشاره دارد که مستقیماً بر تولید، توزیع، بهره برداری از دانش و اطلاعات استوارند. این نوع اقتصادها در روندهای اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به شکل سرمایه گذاری های فناوری بالا، صنایع مبتنی بر فناوری بالا، نیروی کار بسیار ماهر و بهره وری مرتبط با آن متجلی شده اند. اکنون اقتصاد دانان در پی یافتن راهی برای تزریق مستقیم دانش و فناوری در نظریه ها و مدل های خود هستند.

نکته: مشخصه اشتغال در اقتصاد دانش محور، تقاضا برای کارگران بسیار ماهر است. بخش های «دانش بر» و «فناوری محور» اقتصادهای دانش محور، پویا ترین بخشها از حیث رشد اشتغال اند. تغییرات در فناوری و به ویژه ظهور فناوری های اطلاعات، نیروی کار ماهر و تحصیل کرده را ارزشمندتر می سازد و نیروی کار بی مهارت را کنار می گذارد.

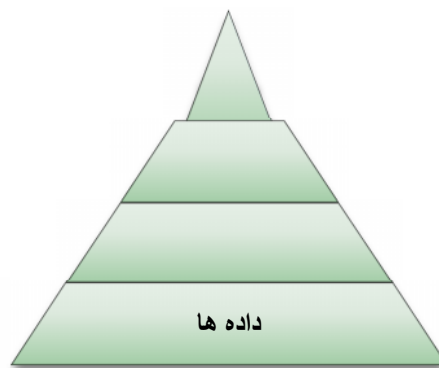
سیاستهای دولت در خصوص اقتصاد دانش محور بنابر مواردی تنظیم می شوند که عبارتند از:

- ۱) به روز کردن سرمایه انسانی به کمک سهولت دسترسی به دامنه ای از مهارتها و افزایش ظرفیت یادگیری؛
- ۲) تقویت قدرت توزیع دانش اقتصاد از طریق شبکه های همکاری متقابل؛
- ۳) اشاعه فناوری و فراهم کردن شرایط تواناساز برای تغییرات سازمانی در سطح شرکتها به منظور حداکثر ساختن مزایای فناوری و بالطبع ارتقای بهره وری.

دانش چیست؟

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

امروزه، دانش یکی از عوامل کلیدی رشد اقتصادی محسوب می شود که اکتساب و در اختیار داشتن آن، سبب تأمین عوامل سنتی دیگری نظیر سرمایه، نیروی کار و زمین می شود. بعضاً دانش را با اطلاعات اشتباه می گیرند؛ در حالی که دانش، اطلاعاتی ساختار یافته و تفسیر شده است. رکن بنیادی اطلاعات «داده» هستند. توانایی استفاده را قالب ریزی کردن و خلق دانش جدید را «حکمت» گویند.



دانش را به دو طبقه بندی کلی تقسیم می کنند :

- ۱ دانش صریح : دانشی سازماندهی شده، نظام مند و مدون که ممکن است با روشهای گوناگون از جمله کتاب ، اختراع، گزارش و اینترنت ذخیره و انتقال یابد .
- ۲ دانش ضمنی : دانشی که ماهیتاً ناملموس و به استعداد و تجارب افراد بر می گردد و از دهان افراد ذخیره شده و انتقال آن دشوار است.

لندوال و جانسون دانش را به چهار طبقه تقسیم کرده اند:

- ۱) دانش نوع ۱: این نوع دانش به « واقعیات » اشاره دارد و در قالب اطلاعات بروز می یابد؛ بدین ترتیب، اطلاعات از دانش معنایی محدودتر دارد.
- ۲) دانش نوع ۲: این دانش به قوانین حاکم بر طبیعت ، جامعه و سایر پدیده ها اشاره دارد.
- ۳) دانش نوع ۳: این دانش به تواناییهای انجام دادن امور اشاره دارد که دسترسی عامه به این نوع دانش بسیار محدود و انتقال آن بسیار دشوار است؛ خبرگان صاحبان آنند و با تجربه اندوزی به آن دست می یابند.
- ۴) دانش نوع ۴: این دانش به ترکیب اطلاعات و روابط اجتماعی اشاره دارد و افرادی را شناسایی می کند که صاحب دانشند.

نکته : سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اقتصادهای دانش محور را اقتصادهایی می داند که « مستقیماً بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات استوارند ».

با همه ی این دشواریها توجه روز افزون اقتصاددانان بر فعالیتهای مبتنی بر دانش متمرکز است .

اقتصاد دانش محور چیست ؟

- اقتصاد اطلاعات، اقتصاد مجازی، اقتصاد بی وزن، اقتصاد پاک، اقتصاد دیجیتالی و اخیراً اقتصاد دانش محور عناوینی اند که به اقتصادهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اطلاق می شوند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- اقتصاد دانش محور، اقتصادی است که در آن تولید و بهره برداری از دانش، نقش کلیدی در رشد اقتصادی و خلق ثروت دارد. مثلا در اقتصاد کشاورزی زمین، نیروی کار و منابع طبیعی، عوامل اصلی رشد اقتصادی اند. اما در اقتصاد دانش محور، علم و فناوری و کارآفرینی عوامل کلیدی رشد به شمار می آیند. هسته اصلی اقتصاد دانش محور، سرمایه انسانی به ویژه نوآوری، تولید، بهره برداری از ایده های جدید و به کارگیری فناوری و اجرای مهارتهای کارآفرینانه است.
 - اقتصاد دانش محور تاثیر شگرفی بر اشتغال، تولید ناخالص داخلی و صادرات می گذارد.
 - با تعریف دانش در قالب طبقه بندی نرم افزار (ایده) و مهارت افزار و سخت افزار به تبیین نقش دانش در اقتصاد دانش محور می پردازد:
- ۳ نرم افزار (ایده ها): دانش رمزگذاری شده و ذخیره شده در خارج از ذهن انسان همچون CD، کتاب، اسناد و مدارک و نوارهای کاست.
- ۴ مهارت افزار (مهارتها): دانشی که نمی تواند از یک فرد جدا شود مثل استعداد که به شکل پنهان و نهفته در افراد است.
- تفاوتهای مفهومی بین نرم افزار و مهارت افزار (ایده ها و مهارتها) در سطح رمزگذاری کردن دانش نهفته است.
 - ایده به دانشی اطلاق می شود که می تواند در کلمات، نمادها یا دیگر وسایل ابراز آن، مطرح شود.
 - دانش به دو جهان تقسیم می شود: (۱) جهان ایده های رمزگذاری شده؛ (۲) جهان مهارتهای رمزگذاری نشده
 - دانش یکی از منابع رشد مستمر و مداوم است. ایده های جدید (نرم افزار) به تولید اشیای جدید (سخت افزار) و ساماندهی اشیای موجود به روشی بسیار کارآمدتر منجر می شود و از سوی دیگر مهارتهای جدید و بهتر، سبب اجرای ایده ها و استفاده از اشیای می شود. حلقه ارتباطی بین اشیاء، ایده ها و مهارتها که منجر به رشد اقتصادی می شود حاکی از این است که چگونه دانش همچون عاملی درون زا در نظام اقتصادی عمل می کند.
 - بخش خصوصی همچون موتور رشد در اقتصاد دانش محور عمل می کند که باید بخش دولتی هم محیطی توانا ساز فراهم آورد.

ویژگیهای اقتصاد دانش محور:

- منابع فراوانی دارد.
- مانع مکانی ندارد.
- نیروی کارش تحصیلات عالی دارند.
- سطح ثروت سرانه بالاست.
- نوعی جامعه جهان وطنی باز برای جذب استعدادهای جهانی است.
- با دیگر شاهراههای دانش جهانی پیوند خوبی دارد.
- ساختارهای سازمانی مرتفع به ساختارهای مسطح نظیر شبکه های متشکل از تیمهای نیمه مستقل تغییر می یابند.
- مهارتها و دانش از جمله داراییهای کلیدی اند.
- فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی قطبهای اقتصاد دانش محورند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

عناصر شاخص توسعه اقتصادی دانش محور:

مدلهای متفاوتی برای ارزیابی اقتصاد دانش محور در دست است که برخی از آنها عبارتند از:

- شاخص اقتصاد جدید
- مدل سازمانهای همکاری و توسعه اقتصادی
- مدل اپک
- مدل یا چهارچوب ای بی - سی
- مدل بانک جهانی
- مدل یونیسف
- زیر ساختارهای رایانه ای: رایانه های شخصی و اینترنت و همچنین میزان موجود بودن و دسترسی به آنها - یعنی تعداد رایانه به ازای هر یکصد نفر، عدد کاربران اینترنت، و شاهراههای اطلاعاتی مورد استفاده ابزار اصلی به شاهراه اطلاعات هستند.
- زیر ساختارهای اطلاعاتی: شامل شبکه ها، پیمانهای راهبری و قوانین ضروری است که راههای ارتباطی و محیط های تواناساز را فراهم می کند تا جریان یکپارچه اطلاعات برای یادگیری و پیشرفت در سطوح شخصی، سازمانی و ملی راه بیفتد.
- شاخصهای زیرساختارهای اطلاعاتی عبارتند از:
 - (۱) سرمایه گذاری در ارتباطات از راه دور؛
 - (۲) تعداد خطوط تلفن ثابت به ازای هر نفر؛
 - (۳) تعداد خطوط تلفن سیار به ازای هر نفر؛
 - (۴) تعداد تلویزیون به ازای هر نفر؛
 - (۵) تعداد رادیو به ازای هر نفر؛
 - (۶) تعداد خطوط دورنگار به ازای هر نفر؛
 - (۷) هزینه مکالمات بین المللی؛
 - (۸) توزیع و گردش روزنامه ها.
- آموزشهای رسمی و کاربردی:
 - برای تولید نهاده اصلی اقتصاد دانش محور، یعنی منابع انسانی، آموزش رسمی و آموزش کاربردی بسیار ضروری و حیاتی است.
 - شاخصهای ارزیابی آموزش های رسمی و کاربردی عبارتند از: (سرانه آموزشی کشور به ازای هر نفر، نرخ سواد نسبت دانش آموز به معلم (ابتدائی - راهنمایی - دبیرستان) شمار ثبت نامیها در آموزش عالی).
 - پژوهش و توسعه و فناوری: این مؤلفه به سطح پژوهش و توسعه، و نیز پیشرفت فناوری در کشور اشاره دارد. پژوهش و توسعه اساساً تجلی ظرفیت نوآوری و به کارگیری فناوریهای جدید است. این بعد شامل این موارد است:
 - (۱) صادرات فناوری بالا به مثابه درصدی از صادرات تولیدی؛ (۲) شمار دانشمندان و مهندسان در پژوهش و توسعه؛

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۳) هزینه کل پژوهش و توسعه به مثابه درصدی از تولید ناخالص واقعی؛ ۴) متوسط تعداد اختراعات؛ ۵) هزینه های سرانه کسب و کار در امر پژوهش و توسعه

خردمایه و هدف اقتصاد دانش محور:

اقتصاد دانش محور به دنبال رشد اقتصادی پایدار و تداوم رقابت جوئی است. این دو هدف را می توان خرد مایه اقتصاد دانش محور قلمداد کرد.

۴) دستیابی به رشد اقتصادی پایدار: اقتصاد دانش محور اهتمام به بهبود بهره وری را در گستره اقتصاد کشور از طریق تقویت « بهره وری کل عامل تولید » تکمیل می کند، زیرا ارزش جدیدی به فعالیتهای موجود اضافه می کند و از طریق بهبود فناوری، ظرفیت نوآورانه نیروی کار ماهر تر را فراهم می کند. ارزیابی با استفاده از تحلیل داده - ستاده نشان می دهد که صنایع دانش محور، ضریب ارزش افزوده بالاتر و بهره وری نسبت به صنایع غیر دانش محور دارند. به کارگیری فناوری بالا فرصتهای سرمایه گذاری جدیدی در صنایع موجود فراهم می کند. اقتصاد دانش محور از طریق غنی کردن بهره وری و تولید ایده های جدید سرمایه گذاری، توان بالقوه رشد بلند مدت را افزایش و مبنائی برای رشد اقتصادی پایدار و مستمر به دست می دهد.

۴) پایدار کردن رقابت جوئی: خلق و ترویج دانش و اطلاعات بر پایه پیشرفتهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه تولید و بازاریابی کالاها و خدمات را تغییر داده و نوع سرمایه گذاری ها را متحول می سازد. در نتیجه، مبادله های تجاری و سرمایه گذاری به صورت برخط انجام و به شدت مجازی می شوند. این وضعیت شکل رقابت جوئی را تغییر و کشورهای در حال توسعه را به بازنگری در سیاستها و راهبردهای خود وا می دارد. در نتیجه این کشورها بازارها و اقتصادهای خود را آزاد می نمایند تا جریان آزادتر تجارت و سرمایه گذاری، و همچنین تولید دانش و فناوری را تشویق کنند. با توجه به پیشرفتهای جهانی، واکنش به محیط خارجی برای حفظ رقابت جوئی از طریق توسعه اقتصاد دانش محور، برای هر کشوری امری بسیار حیاتی و اساسی است.

کارویژه های نظام علم کشور (آموزش عالی) در اقتصاد دانش محور:

۴) تولید دانش: نظام علم کشور تولید کننده اصلی دانش جدید (علم) است. دانش جدید یا علم با دانش تولیدی پژوهشهای کاربردی تر که با بازار و فن آوری نزدیکتر است متفاوت است. در اقتصاد دانش محور، تمایز بین پژوهش بنیادی و کاربردی و نیز تمایز بین علم و فناوری دشوار است. دانش علمی به طور گسترده ای در انواع فعالیتهای انسانی قابلیت کاربرد دارد. دانش فناوری از پالایش و کاربرد دانش علمی برای مسائل علمی نشأت می گیرد. دانش بنیادی در توسعه فناوریانه نقش کلیدی ایفا می کند. علم یک کالای عمومی است. عمومی بودن علم یعنی بخش خصوصی ممکن است شبیه دیگر کالاهای عمومی در خلق آن سرمایه گذاری نکند، زیرا از آن سودی کسب نمی کند.

۴) انتقال دانش: نظام علم کشور عنصر کلیدی انتقال دانش، به ویژه آموزش رسمی و کاربردی مهندسان و دانشمندان محسوب می شود. در اقتصاد دانش محور، یادگیری در تعیین سرنوشت افراد، شرکتها و اقتصادهای ملی بی نهایت اهمیت دارد. نظام علم به ویژه دانشگاهها در آموزش رسمی و کاربردی نیروی کاری و پژوهشی برای اقتصاد دانش محور نقش کلیدی ایفا می کند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۳ ترویج دانش: نظام علم کشور نقش مهمی در انتقال و اشاعه دانش در سراسر اقتصاد دارد. یکی از مشخصه های اصلی اقتصاد دانش محور درک این نکته است که اهمیت اشاعه دانش، همچون خلق آن است و سبب توجه روزافزون به « شبکه های توزیع دانش» و « نظامهای نوآوری ملی» می شود. کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بر برقراری پیوند میان نظام علم کشور و بخش خصوصی به منظور سرعت بخشیدن به ترویج و اشاعه دانش تاکید دارند. در نتیجه، دولتها برای مشارکت دانشگاه ها و آزمایشگاه ها با شرکای صنعتی به منظور انتخاب و انجام دادن فعالیتهای پژوهشی، مشوقهایی در نظر گرفته اند.

۴ تجاری سازی دانش: در اقتصاد دانش محور دانشگاهها در کنار تولید، انتقال و ترویج علم دست به تجاری سازی علم نیز می زنند. تأسیس مراکز رشد و پارکهای فناوری از جمله نمادهای تجاری سازی دانش است.

وضعیت دانش محوری اقتصاد در ایران:

در صورت اجرای راهبرد ملی فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور در طول برنامه های توسعه ای مبتنی بر چشم انداز بیست ساله کشور می توان به تبدیل شدن اقتصاد ایران به اقتصادی دانش محور امیدوار بود.

تنگناهای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را می توان در دو بخش دسته بندی کرد:

(۱) دسته ای از این تنگناها تقاضای فناوری اطلاعات و ارتباطات را محدود می کند. مثل: بی سوادی، فقر، تعداد رایانه های شخصی پایین، نبود محیط فارسی اینترنتی و فقدان تجربه اندوزی.

(۲) دسته دوم، عرضه فناوری اطلاعات و ارتباطات را محدود می کند. مثل: عدم توجه اقتصادی و فنی برای عرضه فناوری اطلاعات و ارتباطات در برخی مناطق، بی انگیزگی تولیدکنندگان کالاهای اطلاعاتی به علت قانونی و عدم حمایت و بی رونقی بازار اطلاعات.

• تنگناهای عمومی فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران:

- (۱) بی سوادی یا کم سوادی حدود چهل و چهار درصد جامعه شهری؛
- (۲) نبودن تمهیدات سامان یافته برای تبدیل دانش آموختگان دانشگاهی به افراد مجرب؛
- (۳) مبهم بودن جایگاه رشته های مهندسی رایانه، مهندسی صنایع و مهندسی سیستمها در ساختاری تلفیقی و مبتنی بر همکاری.

• تنگناهای ارتباطات:

- (۱) به صرفه نبودن برقراری ارتباطات برای روستاها به علت پراکندگی و کاستیهای پیشینه ای کاربران؛
- (۲) ضعف شبکه پستی برای خدمت رسانی مناسب به همه نقاط کشور؛
- (۳) ناتوانی بخشی از جامعه در پرداخت هزینه های مخابراتی و اینترنتی.

• تنگناهای اطلاعات:

- (۱) جایگاه پائین ایران در کتب منتشر شده در مقایسه با کشورهای پیشرفته؛
- (۲) پائین بودن میزان ذخیره کتابهای ملی؛
- (۳) پایین بودن تعداد سرانه روزنامه های منتشر شده؛

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- ۴) بی رغبتی مردم ایران برای کسب اطلاعات غیرکتابخانه ای؛
- ۵) فقر فرهنگی و اطلاع رسانی مرسوم نوشتاری؛
- ۶) بی رونقی بازار اطلاع و خبر در ایران؛
- ۷) وجود تلویزیون فقط در بیست و هشت درصد خانوارهای روستایی.

• تنگنای فناوری اطلاعات:

- ۱) ناتوانی ۷۳٪ خانوارهای شهری در تأمین هزینه رایانه شخصی؛
- ۲) داشتن رایانه توسط چهاردرصد جامعه بالاتر از تحصیلات ابتدایی؛
- ۳) چهار درصد سرانه رایانه موجود در خانوارها با تحصیلات متوسط و ۲۶٪ سرانه رایانه موجود در خانوارها با تحصیلات دانشگاهی.

نقش مدیریت دولتی در شکل دهی و تحقق اقتصاد دانش محور:

- ۱) شکل دهی شالوده های نیروی انسانی خاص اقتصاد دانش محور از طریق بازنگری جامع نظام آموزشی رسمی و آموزش کاربردی، متداول کردن نظامی برای یادگیری مادام العمر و نوعی برنامه «جذب مغزها»؛
- ۲) شدت بخشیدن به برنامه های نوآورانه در علم و فناوری برای تقویت نظام ملی نوآوری کشور؛
- ۳) شتاب بخشیدن به توسعه زیرساختهای اطلاعاتی برای تسهیل در توسعه اقتصاد دانش محور؛
- ۴) بازسازی نظام مالی کشور برای فراهم کردن انواع مناسب بسته های تأمین مالی به منظور فعالیتهای دانشی، و بازنگری در ابزار مدیریت اقتصاد کلان و مدیریت چالشهای مرتبط با اقتصاد دانش محور؛
- ۵) ارتقای محتوای دانش در بخشهای کشاورزی، تولیدی و خدماتی؛
- ۶) کمک به بخش خصوصی برای آماده کردن خود به منظور فعالیت در اقتصاد دانش محور، و شناسایی و بهره برداری از فرصتهایی که برای آن بخش فراهم می شوند؛
- ۷) بازآفرینی بخش دولتی برای تخصصی شدن بیشتر در کسب، بهره برداری، ترویج و مدیریت دانش؛
- ۸) پرورش اخلاق بهره برداری از دانش؛
- ۹) عدالت محوری در بین گروه های درآمدی، نژادی، سنی، و جوامع شهری و روستایی و استانهای کشور.

جابجایی مدیران در بخش دولتی – فصل هفتم :

- برای نظریه پردازی چه در سطح کلان، چه در سطح میانه و چه در سطح خرد، دو رویکرد کلی رایج است که عبارتند از: ۱) رویکرد استقرایی؛ ۲) رویکرد قیاسی

نظریه مشوری فرد ریگز :

- فردریگز درصدد طرح یک نظریه بود که به مدد آن بتواند مسائل اداری کشورهای در حال توسعه را تبیین کند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

- نظریه یا مدل منشوری فردریگز جامع ترین نظریه درباره نظامهای اداری کشورهای جهان سوم است .
- فردریگز کشورها را در یک پیوستار به جوامع متراکم، منشوری و تفکیک شده تقسیم کرد.
- ۱ جوامع متراکم: اگر جامعه ای تفکیک شده باشد و در آن هر کسی بتواند هر کاری را انجام دهد، به آن جامعه متراکم گویند. یک ساختار، همه ی کارویژه های نظام سیاسی را انجام می دهد.
- ۲ جوامع تفکیک شده: به جامعه ای که بسیار تفکیک و به خوبی یکپارچه شده باشد، جامعه تفکیک شده گویند. ساختارها، کارویژه های متفاوت انجام می دهند. در این جوامع کارها بسیار تخصصی است و افراد همه فن حریف نیستند؛ همچنین سازمانها کارهای تخصصی خود را انجام می دهند.
- ۳ جوامع منشوری: به جامعه ای که تفکیک شده باشد ولی به خوبی یکپارچه نشده باشد، جامعه منشوری گویند. ترکیبی از جوامع بالا.

به زعم فردریگز، کشورهای جهان سوم دارای جامعه منشوری اند؛ در آنها سنت و تجدد، قدیم و جدید، متخصص و کلی دان با یکدیگر همزیستی دارند.

ویژگی های جوامع منشوری:

- ۱) ناهمگونی: جامعه منشوری ساختاری ناهمگونی دارد که به علت همزیستی دیدگاههای گوناگون، تغییر اجتماعی در جامعه ای منشوری ناقص و ناتمام است. دارای پدیده های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی گوناگونی اند. ساختار مدرن در کنار ساختار سنتی وجود دارد و توسعه ناهمگون در سطح جامعه مشاهده می شود. در جامعه منشوری دیوان سالاران (کارکنان سازمانهای دولتی) از نفوذ و قدرت بالا برخوردار هستند، درآمد هفتگی دارند و بر منفعت شخصی خود فکر می کنند.
- ۲) صوری بودن قانون: در جوامع منشوری قانون یک چیز و عمل چیز دیگر می گوید. در این جوامع، قوانین و مقررات در عمل بر اساس قانون اساسی کشور اجرا نمی شوند.
- ۳) هم پوشانی: اشاره به این نکته دارد که در جوامع منشوری، کارویژه ها از طریق ساختارهای سنتی در کنار ساختارهای مدرن انجام می شوند که باعث سردرگمی و بی نظمی می شوند. بنابراین در جامعه منشوری، قوای سه گانه و به طور خاص دیوان سالاری کارویژه های متفاوت اداری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را انجام می دهند.

مدل سالا در نظریه منشوری:

فردریگز برای تبیین رفتار نظام اداری کشورهای جهان سوم از واژه سالا (واحد تشکیل دهنده دیوان سالاری در کشورها) استفاده می کند؛ همانطور که از واژه « اتاق » برای نظام فرعی اداری جامعه متراکم و از واژه « دفتر » در جوامع تفکیک شده استفاده می کند.

ویژگیهای سالا (واحد تحلیل جامعه منشوری) از دیدگاه فردریگز عبارتند از:

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۱ خویشاوند محوری : در جامعه منشوری خویشاوند محوری و دوست بازی کارکرد غالب در انتصابات افراد در پستهای اداری است. اعضای یک خانواده و بستگان آنها در استخدام و دیگر موضوعات اداری ارجحیت دارند. در جوامع تفکیک شده، ملاحظات دوستی و خویشاوندی جایگاهی ندارد. در جامعه متراکم، نظام سیاسی و اداری، خاصیت موروثی دارد و رابطه خانوادگی و دوستانه نقش مهمی دارد. در جامعه منشوری قوانین و مقررات و رویه ها برای برخی کاملاً اجرا می شود و برای برخی اجرا نمی شود.

۲ هنجارهای ناهمگون و نبود اجماع: در جامعه منشوری، مردم به ارزشها و هنجارهای متفاوتی پایبندند که این امر به بروز تفاوتهایی در جامعه می انجامد. در جامعه منشوری اندیشه های سنتی و مدرن با یکدیگر در تضادند و لذا در پی این هم پوشانی، تصمیم گیری پیچیده تر می شود. مدیر دولتی سالانی برای ارتقا و توسعه کار راه اش، شدیداً به پیوندهای خویشاوندی و یا لطف و عنایت مافوق وابسته است.

۳ چند قبیله گرایی: در جوامع منشوری گروههای نژادی، مذهبی و قومی متفاوت در کنار یکدیگر زندگی می کنند. بیشتر آنها تعامل خصمانه (در ظاهر دوستانه) دارند. اگر یکی از اعضای قبیله، طایفه یا گروه مذهبی و نژادی بتواند پستی را در بخش دولتی یا خصوصی بدست آورد، می کوشد که اعضای قبیله یا گروه خود را استخدام و ارتقا دهد.

مفهوم مدیریت دولتی:

- مدیریت دولتی عبارت است از سازماندهی و مدیریت انسانها و سایر منابع برای تحقق اهداف دولت .
- مدیریت دولتی هنر و علم مدیریت است که برای رتق و فتق امور دولت به کار می رود.

تفاوت نظریه چرخش نخبگان با نظریه جابجائی مدیران دولتی :

نظریه جابجائی مدیران دولتی : یکی از انتقاداتی که به نظام مدیریتی ایران وارد است این است که فقط افراد خاصی می توانند وارد حلقه مدیریتی شوند برای پاسخ به این انتقاد نظریه جابجائی مدیران دولتی تدوین گردیده است این نظریه علت دست به دست شدن پستها را در کشورها از جمله ایران تبیین می کند . در نظریه جابه جایی مدیران دولتی سالهای سال فقط پستهای مدیریتی خود را با هم دست به دست می کنند . در هیچکدام از رده های عالی ، میانی ، عملیاتی نظام شایسته سالاری حاکم نیست بلکه نظامی قومی ، گروهی و بعضاً قبیله ای حاکم است که این نظریه جابه جایی مدیران دولتی با روح مردم سالاری در تضاد است . (نظام شایسته سالاری در همه رده های میانی ، عالی حاکم است و هر کس توان و شایستگی لازم را داشته باشد از هر قوم و قبیله ای باشد می تواند به پستهای مدیریتی انتصاب شود) یعنی مدیریت محدود به افراد خاصی است و مانع از حضور همه ی افراد در پستهای مدیریتی می شوند .

نظریه چرخش نخبگان :

در نظریه چرخش نخبگان بعکس نظریه جابه جایی مدیران یکی از ارکان نظام مردم سالاری جهان مدرن است. یعنی در نظریه چرخش نخبگان همه ی کسانی که توانائی مدیریت امور دولتی را در خود می بینند ، می توانند برای تصدی پستهای عالی کشوری در قالب رقابتهای حزبی اقدام کنند و در صورت کسب آرای اکثریت مردم پستها را به دست گیرند برای اداره امور

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

دولتی در سطح کشورها در حال حاضر ظاهراً نظریه چرخش نخبگان (قدرت) بهترین گزینه تحقق مردم سالاری است. یعنی همه ی افراد متخصص و لایق از شانس تصدی پست مدیریت دولتی برخوردارند. پستهای مدیریتی می چرخد پست مدیریت دولتی از آن همگان است.

• مقایسه پیش فرض های نظریه چرخش نخبگان و نظریه جابجایی مدیران دولتی :

ردیف	نظریه جابجایی مدیران دولتی	نظریه چرخش نخبگان
۱	نوع نظام سیاسی در جهان منحصر به فرد است.	نوع نظام سیاسی، جهان شمول است.
۲	جهان فعلی نظام سیاسی را نپذیرفته است.	نظام سیاسی در سطح جهانی پذیرفته شده است.
۳	بدون انقلابیون، نظام سیاسی منحرف خواهد شد.	هر عضو سیاسی می تواند حافظ نظام سیاسی باشد.
۴	انقلابیون دلسوزان نظام سیاسی اند.	همه افراد حاضر در احزاب سیاسی دلسوز نظام سیاسی اند.
۵	نظام سیاسی ما متفاوت است.	نظام ما شبیه اکثر نظامهای سیاسی جهان است.
۶	افراد خاصی از جامعه شایستگی مدیریتی دارند.	همه افراد جامعه صلاحیت مدیریتی دارند.
۷	دشمن اصلی نظام سیاسی ستون پنجم درون نظام سیاسی است.	همه نظام سیاسی را پذیرفته اند. نظام سیاسی ما قابل اضمحلال نیست.

• تفاوتهای نظریه چرخش نخبگان با نظریه جابجایی مدیران دولتی :

ردیف	نظریه جابجایی مدیران دولتی	نظریه چرخش نخبگان
۱	مسیر شغلی مدیران دولتی، تخصصی نیست.	مسیر شغلی مدیران دولتی تخصصی است.
۲	سوخته های سیاسی برمی گردند.	سوخته های سیاسی، ظاهراً به کارهای دیگر روی می آورند.
۳	پستهای مدیریت دولتی دست به دست می شوند.	پستهای مدیریت دولتی می چرخند.
۴	نخبگان یعنی نخبگان حامی نظام	نخبگان یعنی نخبگان جامعه
۵	افرادی خاص از شانس تصدی پست مدیریت دولتی برخوردارند.	همه افراد متخصص و لایق جامعه از شانس تصدی پست مدیریت دولتی برخوردارند.
۶	عده ای خاص همیشه مدیر دولتی اند.	همه می توانند مدیر دولتی شوند.
۷	مدیران نهادگرا هستند.	مدیران ترکیبی از نهادگرایی و تخصص گرایی اند.
۸	پست مدیریتی از آن افراد خاصی است.	پست مدیریتی از آن همگان است.
۹	تعهد به نظام سیاسی به تخصص می چربد.	تعهد و تخصص ماهیتی اقتضایی دارد.
۱۰	چرخه مدیریتی نظام سیاسی، شمار معدودی را	چرخه مدیریتی نظام سیاسی، زاینده است.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

دربردارد.

ویژگیهای مدیران دولتی در نظامهای مبتنی بر نظریه جا به جایی مدیران :

۱ منطق رفتاری جامعه کشاورزی : مدیران دولتی در این نظام رفتاری دوران کشاورزی را از خود بروز می دهند بدین معنا اگر فرد جدیدی وارد سازمان دولتی شود که از آنها متخصص تر باشد گمان می کنند سهمشان از ثروت عمومی جامعه کاهش می یابد چه بسا که استخدام افراد متخصص تر ارزش افزوده بیشتری برای جامعه در پی دارد.

۲ ریاست به جای مدیریت : در چنین نظامهایی مدیران ریاست می کنند نه مدیریت و مدیران به جای آنکه با بهره گیری از توان بالقوه کارشناسی اندیشه ها را به ارزش افزوده اقتصادی تبدیل کنند بر منافع شخصی خود تکیه می کنند.

۳ بی توجهی به اندیشه ها و نداشتن سازوکار بهره گیری از آنها : در این نظام ، به اندیشه افراد در رده ها و سطوح گوناگون جامعه توجه نمی شود زیرا ساز و کاری برای آن فراهم نیست بسیاری از اندیشه ها در اذهان افراد می ماند و شکوفا نمی شود و افراد مدعی خلاقیت و نوآوری زیادتر می شوند.

۴ ناآشنائی با مفهوم اختلاف و نداشتن سازوکار برای رفع آن : در این گونه نظامها هرگونه اختلافی بد و ناگوار است یکی از تبعات منفی برخورد نا صحیح با اختلافات سازنده مرحوم شدن جامعه از خلاقیت و نوآوری است .

۵ عقده پیشرفت : در این نظام ها زمینه خلاقیت و نوآوری وجود ندارد. رکود بر جامعه تحمیل می شود. مدیران می کوشند تا با اشاعه خبر کذب و بعضا صحیح (ولی نه مهم) مردم را از شنیدن خبر پیشرفت و موفقیت آگاه سازند.

حاکمیت گروه اندیشی : در این نظامها مدیران بر اساس اصولی خاص گروهی تشکیل می دهند که گروه حاکم نام دارد .

پیامدهای منفی گروه اندیشی:

(۱) توهم آسیب ناپذیری : بیشتر مدیران تصور می کنند که گروه حاکم آسیب ناپذیر است؛ به همین خاطر به خطرات آشکار، بی اعتنا و با اطمینان دست به کارهای مخاطره آمیز می زنند.

(۲) بهانه جویی : این مدیران هیچ توجهی به اخطارها نمی کنند و برای آنها و پیامدهای منفی ناشی از اقدامات خود اهمیت کمی قائلند، بهانه جویی می کنند و هر گاه خطر اخطارها جدی می شود، این مدیران یک بار دیگر به فرضیه های اولیه خود باز می گردند و یادآور می شوند که همچنان به تصمیماتی که در گذشته گرفته اند ، پایبند و متعهدند.

(۳) کلیشه اندیشیدن : درباره دیدگاه گروه های مخالف به صورت کلیشه ای فکر می کنند و بی اعتناوند و آن را آنقدر رذیلانه می دانند که عاقلانه نیست که بر سر میز مذاکره بنشینند و درصدد حل اختلاف برآیند. به نظر آنان، رهبران گروه های مخالف بسیار نادان اند و باید گروه خودی در صدد درهم شکستن مقاصد و اهداف آنها برآید و هیچ اهمیتی ندارد که این اقدامات تا چه اندازه مخاطره آمیز باشد.

(۴) اعمال فشار بر همکاران: مدیران گروه اندیش بر سایر مدیران فشار می آورند و از گروه حاکم طرد می کنند که همکارشان باشند و به دیدگاه ها و نظرهای گروه های حاکم و استدلالهایشان شک و تردید داشته باشند که در حمایت از سیاستهای اکثریت بیان می شوند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۵) خودسانسوری: مدیران گروه اندیش می کوشند از آنچه مخالف دیدگاه عمومی حاکم است اجتناب کنند. در مواردی که بدگمان اند، مهر سکوت بر لب می زنند و حتی می کوشند اهمیت موارد شک خود را به پایین ترین حد ممکن برسانند.

۶) پاسداری از اندیشه گروه حاکم: مدیران گروه اندیش گاهی خود را پاسداران اندیشه گروه حاکم می پندارند و می کوشند رهبر و پیروان گروه حاکم را از اطلاعات و هر آنچه موجب دلسردی و ناخشنودی افراد می شود، مصون بدارند.

۷) بزرگ نمائی اصول اخلاقی گروه حاکم: مدیران گروه اندیش بر این باورند که گروه حاکم از معنویت بالفطره و بسیار بالائی برخوردارند. این نظر سبب می شود که اعضای گروه اصول اخلاقی یا نتایج حاصل از اخلاقی بودن تصمیمات خود را نادیده بگیرند.

ویژگی نظامهای دولتی مبتنی بر نظریه جابه جایی مدیران دولتی:

۱) نظام سیاسی و پیامدهای آن: در نظام سیاسی گروههای مشروع باید بر اساس اصول مشترکی فعالیت کنند و پستهای مدیریتی را در بین هواداران خود تقسیم کنند. در واقع نظام غنائم جنگی حکمفرماست. به گروههایی که فلسفه مدیریت سیاسی حاکم را قبول ندارند، اجازه فعالیت نمی دهند. ورود به نظام مدیریت دولتی، منوط به تایید فرد توسط نهادهای خاص عمومی است. در چنین نظامی، مردم به مدیران سیاسی بی اعتمادند. آنان مدیران دولتی را مظهر منافع شخصی می دانند. در کشورهایی که شعور سیاسی مردم بالاست، دست به اصلاحات می زنند؛ اما کشورهایی که حساسیت سیاسی ندارند، از اصلاحات ناامیدند.

۲) نظام اقتصادی و پیامدهای آن: کشورهای مبتنی بر نظریه جابه جایی مدیران دولتی، اقتصادی ناکارآمد دارند؛ لذا به سرمایه گذاری دولتی بسیار متکی اند. بخش اعظم سرمایه های دولتی در اختیار دوستان و هواداران مدیریت دولتی قرار می گیرد. از آنجا که همه افراد به سرمایه لازم دسترسی ندارند، نوعی کابوس بی تفاوتی بر جامعه حاکم است. عدم خلاقیت و رکود از جمله مظاهر آن هستند. خصوصی سازی و واگذاری تسهیلات دولتی به هواداران خویش سبب می شود به جای خدمت به نظام اقتصادی بخش عظیمی از سرمایه عمومی در اختیار افراد خاصی قرار گیرد. کارآفرینان به این نتیجه می رسند که بدون داشتن ارتباط با مدیران ورود به عرصه های اقتصادی ممکن نیست. برای داشتن ارتباط با مدیران، رشوه می دهند. رشوه دهی و رشوه گیری باعث رواج فساد نهادی در نظامهای دولتی می شود که مانع از توسعه همه جانبه می شود که بالطبع باعث یاس و سرخوردگی جامعه می شود؛ زیرا مسیر پیشرفت جوانان مسدود می شود.

۳) نظام اداری و پیامدهای آن: مردم به نظام اداری در این کشورهای مبتنی بر نظریه جابه جایی مدیران با شک و تردید می نگرند. استخدام در نظامهای اداری گاهی حتی برای دوستان و هوادارانش با رشوه همراه است. کارکنان با شهروندان برخورد مناسبی ندارند. ازدیاد نیرو وجود دارد، زیرا هر فردی با استخدامش، تعدادی از افراد و دوستان خود را همراه خویش وارد نظام می کنند. سرنوشت همه افراد اداری از مدیران عالی گرفته تا مدیران میانی، عملیاتی و کارکنان به هم تنیده می شود. در چنین فضایی، نظام اداری، نماد ومظهري کامل از ویژگیهای منفی دیوان سالاری است که برآمده از ویژگیهای فرهنگی نظام حاکم است.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

۴ نظام علمی و آموزشی و پیامدهای آن : در چنین نظامهایی، نظام علمی دانشگاه ها نیز رنگ و بوی سیاسی به خود می گیرد، زیرا مدیران دولتی افرادی را وارد عرصه های علمی می کنند که از دوستان و هواداران خود باشند. همچنین بخش اعظم بودجه های پژوهشی نیز به دوستان و آشنایان مدیران دولتی اختصاص می یابد که نتایج ملموس و مناسبی عاید کشور نمی شود و رویه اعطای بورس برای تحصیل در خارج از کشور و همچنین ارزیابی آثار علمی و فرهنگی عالمان با رویکرد سیاسی به دوستان و آشنایان واگذار می شود. در این نظام ها که دانشگاهها باید کلید توسعه اقتصادی و سیاسی باشد، خود مانع عمده ای بر سر راه آن است زیرا توسعه مستلزم پویایی است که در دانشگاه ها و مراکز علمی این کشورها به چشم نمی خورد. ورود افرادی که از لحاظ علمی از آنها بالاترند، ممکن نیست زیرا حتی عالمان دانشگاهی منطق کشاورزی دارند. افراد تحصیلکرده منزوی می شوند و این باعث پدیده فرار مغزها می گردد.

۵ نظام انتخاب مدیران و پیامدهای آن : در این نظام، مدیران در نظام خدمات عمومی انتصاب می شوند نه انتخاب و این انتصاب از قبایل و عشیره های مدیران عالی و آشنایان و هواداران خودی اند و هیچ نوع گزینش علمی دقیقی وجود ندارد؛ این باعث می شود افراد برای ورود به پستهای مدیریتی، اگر حتی هوادار آنها نباشد، دست به تظاهر و ریاکاری بزنند. از طرف دیگر، افرادی که توان علمی و مدیریتی دارند ولی در فعالیتهای سیاسی درگیر نمی شوند یا تدریس می کنند، به انزوا کشیده می شوند، زیرا می دانند از توان آنها برای توسعه کشور استفاده نمی شود.

۶ نظام قضائی و پیامدهای آن : ظاهراً نوعی استقلال قوا است، قوه قضائیه به شدت سیاسی به نظر می رسد. نظام قضائی هم رنگ و بوی سیاسی به خود می گیرد. با وجود فساد قضایی در این کشورها، حتی قضات هم رشوه می گیرند و حق را ناحق و ناحق را حق جلوه می دهند. در چنین نظامی مردم به هیچ مأمونی اعتماد ندارند. نوعی ناامنی سیاسی و اقتصادی به علت پیوند قانون گذاران، دیوان سالاران و مجریان ، حاکم است. به علت سیاسی بودن نظام قضایی و فساد آن، بعضاً فیلان می چرخند و شاپرکها در دام اسیرند. حتی در صورت برخورد با متخلفان که نسبتی با مدیران عالی دولتی دارند، این برخوردها ناعادلانه انجام می شود.

جهانی سازی و مدیریت دولتی – فصل هشتم :

- در قلمرو خط مشی عمومی، یکی از خط مشی های بی بدیل، خط مشی خصوصی سازی جاویدی است.
- در دو دهه گذشته، دولتها تحت فشارهای سازمانهای بین المللی و جهانی، که تحت سیطره « تیم شرکتی جهانی » هستند، بدون توجه به بسترهای اقتصادی، جهت گیری های سیاسی و مواضع ایدئولوژیک خود، انواع خصوصی سازی را در پیش گرفته اند.

پارادایم های جهانی سازی :

پارادایم اول: حاکمیت منافع شخصی ضامن منافع عامه : در این پارادایم راه سعادت جامعه از شاهراه منفعت طلبی شخصی می گذرد. جهانی سازی محمل شکوفایی منفعت طلبی شخصی است. جهانی سازی حاکمیت بلامنافع سرمایه را در پی دارد که ره آورد نهایی آن شکوفایی کلیت جامعه است. حامیان این پارادایم، جهانی سازی را امری اجتناب ناپذیر می دانند و از مزیت های فراوان آن می گویند. آنان مدعی اند که رشد شرکتهای فراملیتی به سرمایه داری جهانی سرعت می بخشد، حکومتها را از درون تهی می کند، نوعی جهان بی مرز خلق می کند و وابستگی متقابل، صلح و دوستی، همنوایی جهانی، همسویی و

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

حاکمیت بازار را تحقق و عینیت می بخشد. به نظر فرید من « جهانی سازی به منزله سیلی است که هر آنچه سر راهش باشد برمی دارد و کسی یا چیزی نمی تواند جلوی آنرا بگیرد» در این نگاه جهانی سازی حالت جبری یا قهری دارد و هر کس در مقابل آن ایستادگی کند با تحریم و تنبیه مواجه می شود و هزینه های سنگینی متحمل می شود و چیزی به نام اقتصاد ملی مطرح نیست و به مدیران دولتی و دیوان سالاران توصیه می شود این واقعیت را بپذیرند که دولت منسوخ شده است و همه آنها به نفع سرمایه داری شرکتی سر تعظیم فرود آورند. به بیان حامیان این پارادایم ره آورد مفید جهانی سازی بی مرز است. حاکمیت از آن صلح، بازار و مردم سالاری است و اقتصاد کشورها مانند تور ماهی گیری به هم بافته می شود.

پارادایم دوم: جهانی سازی یعنی مصادره جهان به نفع سرمایه داری شرکتی: حامیان این پارادایم جهانی سازی را زمینه ساز حاکمیت بلامنازع سرمایه داری شرکتی بر گستره جهان می دانند. در این پارادایم جهانی سازی موجب فرسایش و از دست رفتن اجتماع و قدرت شهری به نفع نخبگان شرکتی می شود. ازدست رفتن کار، بحرانهای شدید مالی برای کشورهای در حال توسعه ارمغان جهانی سازی است. در این دیدگاه افرادی که سخت کار می کنند، به رده های پائین جامعه سقوط می کنند و قدرت اقتصادی و سیاسی نخبگان شرکتی سر به فلک می کشد. براین اساس عمر بردگی قرون وسطایی نوین نمود پیدا می کند. بردگی به شکل استثمار و وابستگی اقتصادی-سیاسی، به بشریت آسیب می رساند.

پارادایم سوم: جهانی سازی چیزهایی از دست می دهیم چیزهایی بدست می آوریم: در این پارادایم دولتها در پی جهانی سازی، اهمیت خود را از دست نمی دهند و حاکمیت ملی کشورها به جای آنکه تضعیف شود، تقویت می شود. وابستگی و بردگی یک سر طیف و تقویت توانائی قدرتهای شرکتی برای دیکته کردن اهداف خود بر حکومتها، سر دیگر طیف است. کشورهایی مثل ایالات متحده آمریکا، ژاپن بر اردوگاه اقتصادی سیاسی جهانی مسلط و کشورهای کمتر توسعه یافته به قدرتهای استعماری و موسسه های مالی جهانی بیش از پیش وابسته می شوند. با این اوصاف ره آوردهای جهانی سازی عبارتند از: (۱) تغییر جهت عمده در کمیت و کیفیت قدرت و فرمانروایی حکومت؛ (۲) حرکت حکومتها از « حکومت رفاه به حکومت رقابتها»؛ (۳) حکومت تو خالی و « دولتی مبتنی بر رفاه شرکتی».

نظریه اقتصاد سیاسی در پس جهانی سازی:

اصطلاح اقتصاد سیاسی در آغاز به مطالعه تولید، روشهای خرید و فروش، عوارض گمرکی و..... اشاره داشت. اما بعدها در قالب مطالعه اقتصاد حکومتها توسعه یافت. اقتصاد دانان سیاسی «نظریه ارزش کار» را مطرح کردند، یعنی کار منبع اصلی ارزش است؛ شماری هم به توسعه فناوری توجه کردند. در حال حاضر اقتصاد سیاسی دامنه متنوعی از رویکردهای مرتبط به هم اشاره دارد. اقتصاد سیاسی اشاره به مطالعات میان رشته ای است که بر علوم اقتصاد، حقوق و سیاست استوار است تا دریابد که چگونه نهادهای سیاسی و سرمایه داری یکدیگر را تحت تأثیر قرار می دهند.

در علم سیاست، واژه « اقتصاد سیاسی » متضمن نظریه های لیبرالیستی، رئالیستی، سوسیالیستی و ساخت گرایانه است که به مطالعه رابطه بین اقتصاد و قدرت سیاسی میان حکومتها می پردازد.

پارادایمهای اصلی و عمومی توزیع و تولید در اقتصاد سیاسی عبارتند از:

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران

تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

(۱) پارادایمهای توزیع: لیبرالیسم، محافظه کاری، سوسیالیسم، لیبرترینیسم و کمونیسم.

(۲) پارادایمهای تولید: فردگرایی، گروه گرایی، جمع گرایی.

خصوصی سازی (سیاست ارتقای جهانی سازی):

- عامه مردم خصوصی سازی را واگذاری دارئیهای عمومی به بخش خصوصی می دانند.
- خصوصی سازی عبارتست از فرایند انتقال دارئیها، سازمانها، کار ویژه ها و فعالیتها از بخش عمومی به بخش خصوصی است.

- شکلهای عمده خصوصی سازی عبارتند از:

(۱) واگذاری یا انتقال مالکیت و مدیریت عمومی به بخش خصوصی؛

(۲) فروش سهام از طریق مناقصه یا بازار سرمایه؛

(۳) انتقال مدیریت به بخش خصوصی بدون تغییر در مالکیت؛

(۴) انعقاد قرارداد تولید و حفظ کارویژه های تدارکات و بازاریابی؛

(۵) تسهیم سود با کارکنان؛

(۶) کاهش در کنترل دیوان سالارانه بدون تغییر در مالکیت.

آثار زیانبار خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه:

۴ تاثیر خصوصی سازی جارویی در اقتصاد داخلی: پرچم داران خصوصی سازی مدعی اند که با خصوصی سازی فقر رخت بر می بندد، بیکاری کاهش می یابد، رشد اقتصادی شتاب می گیرد. اما برخی از پژوهشگران نشان داده اند که با خصوصی سازی در کشورهای جهان سوم فقر و بیکاری افزایش و درآمدها کاهش پیدا کرده اند.

۴ تاثیر خصوصی سازی در نظام اجتماعی کشورها: با خصوصی سازی وضعیت نابرابری اجتماعی بدتر می شود، چرا که با واگذاری بنگاههای سودده، درآمدها از خزانه عمومی به معدود سرمایه گذاران مرفه منتقل می شود. همچنین مخدوش شدن حق دسترسی شهروندان به خدمات اولیه نظیر بهداشت، حمل و نقل یکی از آثار منفی خصوصی سازی است.

۴ آثار ضمنی خصوصی سازی در محیط سیاسی: در کشورهای در حال توسعه از آنجا که سیاست خصوصی سازی توسط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تجویز می شود، مردم این کشورها قدرت محدودی برای اخذ حساب پس دهی از مؤسسات دارند. قدرت سرمایه سازماندهی شده، افزایش و قدرت ضابطه های کارگری کاهش می یابد؛ کشورهای با بی ثباتی سیاسی مواجه می شوند که ناشی از افزایش بیکاری، فقر و کاهش استانداردهای زندگی است.

تبعات جهانی سازی برای مدیریت دولتی:

آثار مثبت: پیوند تنگاتنگ مردم و بازار به کمک پیشرفت انواع فناوری ها، مهارتهای بازار محور درون مدیریت دولتی متداول و شایع شده اند؛ اطلاعات و دانش وسیع در حوزه های گوناگون؛ «اندیشه جهانی بیندیشید و محلی عمل کنید» چنان در سراسر جهان گسترش یافته است که مسائل محلی با مسائل جهانی و بالعکس به شدت پیوند خورده اند. نظامهای مدیریتی در بخش دولتی مورد بازنگری، اصلاح و مهندسی واقع شده اند و خون تازه ای در نظام مدیریت بخش عمومی تزریق شده است.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

آثار منفی: جهانی سازی مردم سالاری و حاکمیت ملی را تهدید می کند. حاکمیت ملی در سایه وابستگی مخدوش می شود و حاکمیت ملی کشورها با شکل دهی جهان بی مرز متفی می شود. این حالات برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته شدیدتر است.

- جهانی سازی ابزار راهبردی ترویج ارزشها و نظامهای اداری غربی (بویژه آمریکایی) است و نوآوری جهانی را نابود می کند.
- خصوصی سازی جاروئی بنگاههای دولتی باعث ورود نوعی ایدئولوژی جدید در آموزش مدیریت دولتی مبتنی بر برتری بازار و ناکارآمدی دولت می شود و مهارتهای مدیریت دولتی در انجام امور عمومی و خدمت به منفعت عامه کاهش می یابد.

چالشهای مدیریت کلان ایران در مقابل خصوصی سازی:

- ۱ چرخه خط مشی گذاری عمومی، مدیریت سیاسی و مدیریت دولتی ایران را به هم گره می زند. اگر خصوصی سازی جاروئی اجرا شود، ممکن است بخشهایی از چرخه خط مشی گذاری در دست عده ای از نخبگان بخش خصوصی بیفتد و نبض قانونگذاری کشور را تحت تاثیر قرار دهد.
- ۲ جهانی سازی، سیاستهایی را به کشورها دیکته می کنند که راهی جز اجرای آن ندارند. کشورهای در حال توسعه در این زمینه آسیب پذیرترند. انرژی هسته ای نمونه ای بارز تحمیل این سیاستها بر ایران است که از کشورهای در حال توسعه می خواهد نظام سیاسی خود را منطبق با نظامهای سیاسی جهانی منطبق کنند. نظام ایران با تحمیل سیاستهای نخبگان جهانی با چالش مواجه خواهد شد.
- ۳ نظام سیاسی ایران حامی قشرهای متوسط به پائین است. خصوصی سازی جاروئی شکاف بین اغنیا و فقرا را زیاد می کند.
- ۴ با خصوصی سازی و کوچک کردن دولت، توان مدیریتی و نیروی انسانی آن تحلیل رفته و بعید نیست مدیریت دولتی به ابزار سرمایه داران شرکتی تبدیل شود.

راهکارهای مقابله با چالش های خصوصی سازی در ایران:

- (۱) کلید اقتصاد کشور را به دست بخش خصوصی ندهیم؛ (۲) بخش دولتی با بخش خصوصی به صورت مشترک مالکیت و مدیریت مراکز کلیدی اقتصاد را عهده دار شوند؛ (۳) تعاونیهای کشور را در عرصه های گوناگون تقویت کنیم؛ (۴) عاقلان را بر مسند مدیریت دولتی کشور بنشانیم و بدانیم و یقین داشته باشیم که کلید پیشرفت یا پسرفت یک کشور در دست مدیران بخش دولتی آن کشور است. وجود یک بخش خصوصی قوی در یک کشور نشانه مدیریت دولتی سرآمد در آنجاست؛ (۵) به رفاه بخش عظیم این کشور بیندیشیم و نگذاریم سیطره عده ای خاص فاصله بین این پشته با نظام سیاسی را بیشتر کند.

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

چالشهای دیگر – فصل نهم :

علاوه بر چالشهایی که در فصل قبل گفتیم در اینجا چالشهای تحت عنوان چالشهای سطح دوم بررسی می شوند:

۴ سازمانهای دولتی از آن مردم و مدیران دولتی امین اموال آنها هستند. افرادی که به سازمانهای دولتی مراجعه (بندگان خداوند) محسوب و کسب رضایت آنها رضایت خداوند را در پی دارد. آنچه در سازمانهای دولتی ایران مشاهده می شود بی توجهی به حقیقت مافوق و زیر دست بودن در علم دین است که این نظام بر آن استوار است.

۴ حرفه گرا نبودن مدیریت دولتی در ایران: کیفیت، شایستگی و بی طرفی مشخصه های اصلی حرفه گرایی مدیریت دولتی اند. سیاست زدگی سازمانهای دولتی، بر اساس رویکرد سیاسی محض به مدیریت دولتی، سبب شده است که ثبات مدیریتی در بخش دولتی با پرسش مواجه شود. تبدیل شدن مدیریت دولتی ایران به یک حرفه که هر کس بتواند وارد آن شود، چالشی بزرگ است. توجه سیاستمداران هم بیشتر به خصوصی سازی و کوچک کردن دولت است نه کارآمد کردن آن.

۴ تبعیت روزافزون مدیران دولتی از نظریه «عاملیت» به جای نظریه «خدمت» یکی دیگر از چالشهای فراروی مدیران دولتی ایران است. نظریه عاملیت به مدیران دولتی از منظر انسان اقتصادی نگاه می کند و مدعی است آنچه مدیران را برمی انگیزاند تشخص، مقام، پول و منافع شخصی است. بنابراین هر چه بیشتر مدیران را از نظر مالی تقویت کنید، عملکرد سازمان بهتر می شود. اما در نظریه خدمت به مدیران از منظر انسانهای خودیاب نگاه می شود که عشق به خدمت در سازمان، آنها را بر می انگیزاند. در این نظریه، مدیران دولتی اهداف سازمان را بر اهداف شخصی مقدم می شمارند و تحقق اهداف خود را در پرتو اهداف سازمان می بینند.

۴ نظارت بیرونی بر مدیریت دولتی (دیوان سالاری) ناکارآمد و ضعیف است به علت نزدیکی اداره – سیاست این نظارتها تحت تاثیر نفوذهای سیاسی قرار گرفته است.

۵ ضعف دولت افقی (هماهنگی وزارتخانه ها و سازمانهای تابعه) که هزینه های هنگفتی بر کشور تحمیل می کند.

۶ چالش بعدی را می توان در قالب نظریه «غفلت راهبردی، تدبیر تاکتیکی» تبیین کرد. راهبرد تحول در بخش دولتی ایران که بر مدیریت دولتی نوین استوار است بر نفی استخدام رسمی و استخدام کارکنان در قالبها پیمانی و قراردادی تأکید دارد. اما چون تعلق خاطر به سازمان ندارد، سازمان نمی تواند برای تحقق چشم انداز بیست ساله اش به او امیدوار باشد.

۴ آموزش رسمی و کاربردی: آموزشهای ضمن خدمت برای کارکنان جذاب و راضی کننده نیست زیرا باعث ارتقا آنها از دیپلم به کارشناسی و نیست. بی تفاوتی سازمانی کارکنانی که دارای سطح تحصیلات عالی اند و شغل سازمان فعلی شان، آنها را راضی نمی کند یا کارکنانی که فقط مدرک آنها بالا رفته ولی سطح مهارت آنها فرق نکرده ولی مدعی است که سازمان از تخصص او استفاده نمی کند. این نوع رفتار کارکنان سازمانهای دولتی را می توان «نظریه بی تفاوتی سازمانی» نامید.

A چالش دیگر فراروی سازمانهای دولتی ایران «مدیریت پژوهشهای مدیریتی در سازمانهای دولتی» است. بر این اساس نظریه «شکست پژوهشهای سازمانی» برای تبیین موفقیت و شکست پژوهشهای سازمانی در بخش دولتی مطرح شده است. بسیاری از صاحب نظران اذعان می دارند که سازمانهای دولتی از ابعاد گوناگون با سازمانهای بخش خصوصی

خلاصه کتاب چالشهای مدیریت دولتی در ایران تلخیص و تدوین: محسن احمدیان (کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

متفاوت اند و مدیریت این سازمانها الزامات ویژه تری از مدیریت بخش خصوصی دارند. بنابراین، ساختار، فرآیندها، نیروی انسانی و فرهنگ سازمانهای دولتی نقش مهمی در تبیین رفتار مدیران دولتی و کارکنان بخش دولتی دارند. با پذیرش این فرض، پنج بازیگر کلیدی در موفقیت یا شکست پژوهشهای سازمانی در بخش دولتی مؤثرند: (۱) مدیریت عالی سازمان؛ (۲) متولی پژوهشهای مدیریتی در سازمان؛ (۳) مدیران سازمان؛ (۴) پژوهشگران مدیریتی؛ (۵) کارکنان سازمان.